

### اخبار دول خارج

**انگلیس** تاریخ کاغذ آخر که از ولایت رسیدیم  
پنجشنبه دو اردیبهشت نوشته بودند چنانکه قاعده ولایت است  
حاکم شهر لندن که سال بسال از خود اعیان آن شهر معین  
درین روز با بیست سال آینده معین کرده بودند و در سر و عهد  
که هر سال از آنکه نیم ماه نو تبریک مطابق پیشینده هفدهم صفر است  
در جای حکومت خود خواهد نشست

از جانب دیوان حکم شده است در جنس ایرار کنی که در  
شکالی واقعند اگر چه جنس و مالک انگلیس هستند اما قدر  
از خشکی دورند و در بعضی جاها سنسکو و حصار در کار  
در پانزدیک بلنکر کا آنجا بسیارند

### فرانسه

چنانکه در روزنامه گذشته نوشته شده است اردیبهشت  
و حرکت کلیه قشون نزدیک شهر بولان جمع شده بودند  
پسما و هنر از آن اردو بودند و خود امپراطور در آنجا  
تشریف داشتند و ما پهن شهر بولان و قصبه دور در پنج  
فرسخی از بولان و در قشون مشغول مشق و حرکت گردیدند  
روز دیگر قشون کلا از حضور امپراطور گذشته در همانجا  
که ناپلیان اول پنجاه سال پیش ازین قشون فرانسه  
جمع کرده بود و بعد از آن امپراطور فرانسه باز و جانش  
مراجعت پاریس نامی تحت فرانسه کردند و در عمارت  
سنت کلود قرار گرفتند و در هنگام توقف امپراطور فرانسه  
در بولان پرنس البرط از ولایت انگلیس مدین او آمده بود  
و در ورود مشارالیه کمال اساس و لازمه احترام بعمل آوردند  
و پادشاه بلژا و لیس خود و دوک و براننت و پادشاه

پور تو قال همه همان امپراطور فرانسه شده بودند

### سایر ملوک و مملکتان

در روزنامه دمشق نوشته اند بتاریخ ششم ذیحجه که مردم همیشه  
با آذوقه و ما بحتاج با استقبال حاج که از کله مغطیه مراجعت  
میکند میروند روانه شده بودند و همه در زیر حکم دست در آن  
مملکت جمع شده و با کمال نظم با استقبال حاج رفته بودند  
کنندم در آنجا قدری ترقی داشت با وجود اینکه حاصل سال  
آینده منرا وانی و آمد تمام داشت پیش این میدانند که  
بعضی مردم در آن اطراف جنس میخرند و اینها میکنند که  
کران بعبره و شنند

بتاریخ بیست و سیم ذیحجه در روزنامه اسلامبول نوشته اند  
عیال لارواستور فور و دیگر کسیر دولت بهیه انگلیس میسیم  
اسلامبول از ولایت انگلیس با سلامبول آمده بود چونکه  
کل مردم از خاص و عام حضور صافسترا کمال محبت از او دیده اند  
مراجعت او باعث خورسندی ملانجام شده بود

چنانکه در روزنامه سابق نوشته شده است چند سال است  
در فرنگستان خیری اختراع کرده اند که باسیم و چسب است  
خبر از شهر بشیر و از ولایت بولایت میفرستند حال این باب  
بطور دیگر ساخته اند که بتوانند حمل و نقل نمایند تا دو  
فرسخ بنیم تا سه فرسخ سیم همراه خود با کرده میسبند و همه در  
دو عراده جاگیر میشود و میتوانند فوراً یا در خشکی یا در زیر آب  
بکشند و از جایکه بیشتر از دو سه فرسخ نباشد خبر نهند

در چندیم ذیحجه از شهر اورینیه نوشته اند که مردی که بجهت ناخوشی  
و با متصرف شده بود بتاریخ مزبور همه مراجعت  
با وطن خود کردند

در ایام قدیم جزیره رود بسن جای بسیار آباد بود و تجارت  
 زیاد بولایت اطراف داشت لشکرگاه سچه کشتیها در آنجا بود  
 و از برای اینکه شب راه را کم کنند فانوسی بترکیب غریب ساخته  
 بودند ترکیب او می ساخته بودند از برنج بسیار بزرگ و پام  
 کشاوه که کشتی از میان دو پای او میگذشت و فانوس در  
 داشت که شب روشن میکردند بعد از آن این لشکرگاه کم کم  
 خراب گردیده از زریک و سنگ پر شد بطوریکه کشتی  
 مشکل از آنجا عبور میکرد و آن شکل برنج را وقتی که سلاطین  
 متصرف آن ولایت شدند بر جسم زوده شکسته برنج اورا بچهار  
 جهت و آن فرجه شدند و شهر آنجا را خراب کردند و درین اوقات  
 دولت عثمانیه بنا دارند که لشکرگاه مذکور را باز تعمیر نمایند  
 و اسمعیل پاشا حاکم جزایر یونان که در تصرف دولت عثمانیه  
 با چند نفر از چاکران عمده دیوان با آنجا رفته است که این  
 کار ثواب دارد و براه پیدا زد و بجهت رسیدن عملکجات  
 که متولی این کار شده بودند قدغن آنگه کرده اند که این کار را  
 هر دو با نام برسانند و کدارشش اورا بخیل پاشا وزیر مشورت  
 سحری دولت عثمانیه نوشتند

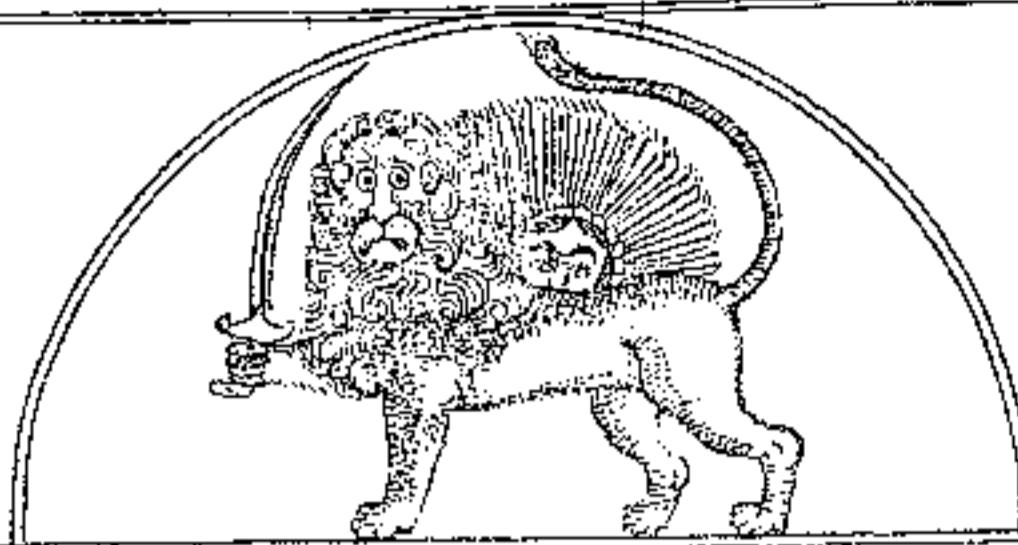
چشمه کشتیها که از پیشی بسیار در روزنامه اسلامبول نوشته  
 و آنهم چاه زده است تفصیلاتش اینکه در کن رود یا نزدیک  
 بانگا و مارا و کشتی میگذراند و کشتیها نماند بایرهند در  
 میان آب بودند ناگاه ماهی زهر دار پشای یکی از آن کشتیها  
 زده و مردم و آنجا کس زیاد کرد بطوریکه کم مانده بود که  
 پایشتر برشته کرده میشدند درین بین و زایب قوشول و آنجا  
 که در آنجا بود و این که در کسش را همیشه کشتیها نماند  
 خوب بوده و جراح آورده و اورا بجا بگرد و خوب شده

۱۲۸۴

در بعضی روزنامههای فرنگستان نوشته اند که دولت  
 یونانی دنیا می شمالی بنا و استدیکی از ممالک کوچک ایتالیا  
 که مناکوتینا مندا از حکمران آنجا با پول سخته مملکت کوچک  
 در سابق دولت جداگانه بود و مانند سایر ممالک فرنگستان  
 حکومتش نشا بعد نسل بود و موافق قاعده ارثی با ولادگی از  
 آن سلسله که از قدیم حکومت در آن ولایت کرده اند پس  
 چند وقت پیش ازین این ولایت کوچک را داخل ممالک سخته  
 کردند حال حکمران ولایت مذکور میخواهد حق خودش را  
 بدولت جمهوری یونانی دنیا می شمالی بفرستد و در بعضی  
 نوشته اند که دولت جمهوری مذکور میل بخریدن این ولایت  
 داشته که در جرسفید منزلگاه سچه کشتیها و تجارت داشته  
 و لکن در بعضی روزنامههای دیگر می نویسند که دولت یونانی  
 شمالی چنین خیال ندارد استند عدتت که در روزنامهها این  
 گفته است و لکن هنوز نامعلوم است که آیا اصل داشته یا  
 در مملکت اسپانیا پول بنا و استند در هر بلوکی و شهری جدا  
 قاعده دارند و کیل معین کنند که پای تحت برود و آن  
 در دست در امورات آن ولایت بگذارند و لکن هنوز نامعلوم است  
 و از طرفیکه مردم در فرنگستان کان میزند بسیار مشکل است  
 که این ولایت نظم درست بگیرد و دایم الما و قاتل بخورد  
 جزئی در میان خلق که در آن ولایت تیره به تیره شده اند  
 بیشتر

# روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه روز ششم ماه ربيع الاول مطابق سال ۱۲۸۵

مهره دویست و یک  
قیمت روزنامه  
یک نسخه دو شایر یک  
در قافان و چهار هزار



منظومه دارا خلاق و طهران  
قیمت اعلانات  
کلیه احوال چهار هزار  
بسته با هر روز پنجشنبه

## اخبار و شکرهای ملک محروسه پادشاهی

### دارا خلاق و طهران

در روز پنجشنبه پنجم این ماه اعلیحضرت پادشاهی تشریف فرمای شکارگاه جاجرو و گردیدند جناب جلالت با صد اعظم و سایر انسانی دولت علیه و خواص خدمت مکرّم رکاب هایون بوده چون این اوقات موسم شکار است و شکارهای اینجاست مویک هایون چند روز بجهت شکار و تفریح در اینجا تو قصه خواهند فرمود

چون در غیاب مویک سیروزی کویک هایون نظّم دارا خلاقه بانواب استظا شایزاده و الا تبار او شیرین حکم ان دارا خلاقه طهران و مقرب انخاقان میرزا موسی درین اوقات نیز که مویک هایون تشریف فرمای شکار جاجرو و گردیدند بانواب شایزاده و مقرب انخاقان میرزا در استقامت امر شهر محلات و رسیدگی با امور و عبادت مردم کمال اهتمام را معمول میدارند و بجهت انده نهایت آسودگی برای اهل دارا خلاقه حاصل است و نواب معزی الیه چند روزی که بتب توبیه می کنند و لیکن با وصف ناخوشی شب در اوقات خود را صرف خدمت دیوانی و رسیدگی

### امور مردم مینایت

امسال بقاعده سال بارندگی که در دارا خلاقه و میدان تا حال شده است و باین سبب قدری در جو و کاه تسخیر بهم رسیده است و لیکن سایر چیزها از خستین امسالی دولت علیه فراوان است و از قراریکه خبر شده در احوال اقبیل عراق و بعضی جایهای دیگر بارندگی شده است و سبب امیدواری مردم گردیده امید است که در دارا خلاقه نیز بارندگی بشود و تسخیر اجناس و اشیای در بعضی آینه نوشته خواهد شد و درین موسم پاره بسیار خوش گذشته و ناخوشی نسبت بهمه بسیار کمتر مگر ناخوشی آید که درین اوقات در میان اطفال بسیار

وارد

چنانچه در روزنامه سابق نوشته شد چند وقت پیش ازین اعلیحضرت پادشاهی مشق کل افواج کوچک و بزرگ و تمام و کمال رسیدگی فرمودند و بجهت مهندسی که در بیرون شهر قلعه بسیار زیاده و پیراندازی توپخانه مبارکه بدست رسیدگی فرموده و بر روی آنها سینه ها طر هایون شده و بجا

۱۲۸۵

در غیاب اعلیحضرت شایسته در مشق خود هر روز به  
سبیل استمرا توپچی در میدان ارک و افواج قاهره  
میدان خواجه دروازه دولت مشغول میباشد و صاحب  
نهایت اهتمام را در مشق آنها دارند

در روز و شب گذشته در خانه مجلس شرب بود  
و در آن مجلس چهار نفر کسبه مشغول شرب بودند  
آخر کار شان بزاع و بدستی کشید و در نفر از آنها  
رخسار شده بودند مستحقین خیر دار گشته آنها را گرفت  
خدمت نواب مستطاب بزرگوار والا تبار او روند  
الآن در حبس اند تا حکم آنها بشود

مرحوم میرزا ابوالقاسم امام جمعه دارالخلافه طهران  
مقامه که پنجه می بریض و بستری بود در روز چهارشنبه  
پانزدهم این ماه داعی حق را الیک اجابت کفیه بجوار رحمت  
ایزدی پیوست بجهت توقیر و احترام جانب علمای اعلا  
جمع و کاکین بازار ما و کاروانسرا را بسته و عموم خلق  
دارالخلافه حسب احکام نواب مستطاب بزرگوار والا تبار  
اردشیر میرزا حکمران دارالخلافه طهران و توابع  
شیخ جنازه و مجلس فاتحه خوانی او حاضر گردیدند  
از اینکه مرحوم شارالیه متخلق با خلاق حسنه و بحسن  
سلوک موصوف بود و با عموم الهی دارالخلافه از بزرگ  
و کوچک لوازم تواضع و رفتار خوش معمول میشدند  
فاطمه خلق دارالخلافه از فوت او زیاده متأسف میشدند

### سایر ولایات

کرمان از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته  
امیرالامرا العظام محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان

چنانچه در روزنامه سابق نیز نوشته شده در راه انداختن  
قشون بسمت بندر عباسی اتهامات کافی و کامل معمول گشته  
از جمله از بر دسیر که چند روز در آنجا سبجه انجام مدارک  
قشون توقف داشته سیورسات یکجا به قشون مأموره

که مسراه مقرب انخافان عبداللہ خان میرنچه روانه بندر  
میرنور نموده بر راه انداخته است با اینکه امسال سبجه خشکی  
از قوه و ر الوالات کم است و بعد رسید بار فوری خانه  
همراه قشون مأموره روانه داشته و این سیورسات یکجا  
علاوه بر سیورساتی است که سابقا حاصل دو آب نموده در منزل  
عرض راه قشون میداد داشته اند و علاوه بر اینها مبلغ

تومان وجه نقد هم بجایگاه کلبعلی خان یا ورفوج کرمانی و چند  
نقدتجار معتبر داده اند که حبس موجوده انبارهای خود را  
برای سیورسات آماده داشته در وقت ضرورت  
روانه نمایند

دیگر از قرار اخبار کرمان که نوشته بودند مقرب انخافان  
عبه اللہ خان صارم الدوله که از فارس با قشون مأمور  
بندر عباس بود با افواج خود در لار مشغول مدارک بود  
و درست کر میرات و بنادر فارس هم غلہ کم یاب است  
سیاهی و رعیت فی ایچله توشیش از کم یابی از قوه و

دیگر نوشته اند که در شب و روز عید مولود مسعود کابلون و سایر  
که امیرالامرا العظام سردار در بندر توقیف داشتند در شهر کرمان حسب حکم مقرب انخافان  
شارالیه لوازم چرانغانی و توش باری و اساس حبس و سردار و پیشک توپ

معمول اند و همچنین خود امیرالامرا العظام شارالیه هم در بندر

دیگر نوشته اند که در ماه صفر زلزله در کرمان اتفاق افتاده در پاره  
موسوم بحر جنبه خرابی کلی نموده حینلی مردم در زیر خاک و خرابی  
رفته بوده اند بعد از آنکه زلزله موقوف شده است کار از  
زیر خاک در آورده اند سه عشر مرده و بیست و دو نفر سو  
وست شکسته بودند بعد از آن هم بان در همان ده زلزله  
شده بود و لکن بان شدت نبود

دیگر نوشته اند شش نفر سردار از فوج امام علی خان بزرگ  
فرار کرده بودند مقرب انخان عبداله خان میرنجه صورت  
اسامی آنها را فرستاده بود امیر الامرا العظام سردار محصل  
فرستاده که مرگد ام پیدا شدند خودشان را برادر و برادر الاغایان  
آنها را گوچایند آتش بزندان دیگر کسی مصدق نماند

**عربستان**

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند جهاز بسیار  
از اطراف بچسره آمده بودند و همگی سندها با کیری کرده در  
ماه گذشته محرم روانه شده اند و بجهت کرانی غله در آن ولایت  
در قیمت خرابیم فی الجمله تعیری هم رسیده است

دیگر نوشته اند که عالیجناب شیخ فارس خان دو کشتی بزرگ  
بجهت آوردن غله فرستاده بود بقدر یکصد و پنجاه خروا  
غله با کیری کرده بچسره آوردند و برای انالی آنجا رفاه و  
امید واری حاصل شده است نصف غله مزبور را اهلان  
محمود داده اند که مردم بفروشدند و نصف دیگر را بجهت سیورسات  
فوج امرانی منظور داشته و باز هم کشتی بجهت آوردن غله  
با اطراف روانه نموده و پول داده است که غله استیاع نموده  
بآنجا پیارند که انالی آنجا مذکر بنند اگر چه غله در آن ولایت

تیر دارد و لکن چون عالیجناب مشارالیه علی التوالی از اطراف غله  
استیاع کرده بآنجا میرسانند انالی آنجا بود کی ازین

دیگر نوشته اند که امورات فوج امرالی که در آن سرحد از بسیار  
شظم و منضبط است و عالیجناب میرزا ابو القاسم که از جانب نواب  
مستطاب شاهزاده والا تبار خانم میرزا امورا شظام قضی است

ماه بماه سان آنکس و سان توچی و تفنگچی مستحقه را دیده  
و موجب آنها را نقد میرساند و انالی آنجا نیز از حسن سلوک  
فوج مزبور نهایت رضامندی دارند و خلاف نظام از نوکر  
ماموره آنجا هیچ وجه سر نمیزند

دیگر نوشته اند که در اول میزان بجهت انطباق هوا سیکه  
در محشره بهم رسیده بود بعضی از سر بازنه ناخوشش گردیدند  
و لکن طیب و جبراج که نواب شاهزاده احتشام الدوله  
بآنجا فرستاده بودند آنها را معالجه کرده و بجهت اند همگی

صحت یافته اند و طیب و جبراج نیز بواسطه اهتمامات  
در خدمات خود از جانب نواب مغزی ایسه با عطای خدمت  
سرافراز گردیده اند

از قراریکه تغییر اجناس آن ولایت را نوشته اند در  
اوقات از این قرار است

خرما	کنندیم	جو	اردکنندیم	برنج	راهوز	برنج
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

سایر اجناس آن ولایت نیز از این قرار تغییر دارد

### فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته بودند عالیجاه محمد ابراهیم خان  
 سرتیپ افواج اصفهان با افواج اصفهان در عتق شهر حضرت المظفر  
 در کمال آراستگی و نظم وارد شیراز شده اند و قبل از ورود او چنانچه  
 لطیفینان سرتیپ فوج قشقایی با صاحب منصبان فوج مزبور  
 که در شهر بودند و عالیجاه محمد ابراهیم خان سرتیپک تو بخانه مبارک  
 با جمعی از سرکردهگان سواره و صاحب منصبان ملازمان  
 با استقبال رفقه با احترام تمام عالیجاه محمد ابراهیم خان را  
 با افواج اصفهانی وارد شهر کردند و از قراریکه نوشته بودند  
 افواج اصفهان در عرض راه با کمال نظم و قاعده حرکت کرده اند  
 و بقدر سه مونی از آذینانی نظمی بطور رسیده است و در روز  
 ورود نواب شاه خنده و الا بتبار مؤیدال ولی تیر خلت خود  
 با عالیجاه محمد ابراهیم خان سرتیپ داده و مبلغ یکصد تومان بهم  
 برده و فوج اصفهان انعام مرحمت کرده اند و روز دیگر با جمیع  
 سرکردهگان صاحب منصبان و اعیان محترم ملاحظه سنان  
 افواج مزبوره بخارج شهر رفقه اند و بوقت بسان انبار رسیدند

در روز نوشته اند شخصی مهدانی چند بار با جناس بقیم می آورده است  
 و در سفر سخنی شهر خند بفسر پیاده با و بر خورده بچار جنس او را  
 بغض کرده بودند مشارالیه راست را در رقم عرض کرده مقرب  
 انخافان و الفستار خان چند نفر سواره شخص فرستاده بود  
 بعد از دو روز شخص سارقین را در کوه ممکن در حینیکه اموالی  
 مسروقه را اقتت میگردند و رفقه بنزد عالیجاه مشارالیه آوردند  
 اموال شخص مهدانی را با و تسلیم دسار قین را تسبیح بفرستادند  
 که عبرت سایرین باشد نموده انخراج بکرده است

و همچنین شخصی کزاز می چند بار روغن بقم می آورده است یکبار  
 روغن او در راه مفقود شده بود و بفسر سوار از رقم فرستاده  
 الاغ و بار روغن را پسید کرده آورده بصاحبش تسلیم نمودند  
 دیگر نوشته اند که مال شخص خراسانی زوار را که نقدا حبس کرده  
 تومان کسری بوده است در خیابان سرقت کرده بود متفرقا  
 انخافان و الفستار خان قدغن اکیسد کرده بود که حکما باید  
 مال مسروقه پسید ان شود بعد از دو روز تحسین معلوم شده  
 بود که شخصی اصفهانی اموال مزبور را سرقت کرده است ان  
 استرود و بصاحبش تسلیم و سارق را بعد از قینه کامل در حدیث

### یزد

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند امیرالامرا  
 الاعظام محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان مقرب انخافان  
 محمد یوسف خان را از یزد و راه صفر بجهت دیدنی خواسته بود  
 مشارالیه در ششم ماه مزبور بستان کرمان نوشته  
 دیگر نوشته اند که عبادت یک یا در تو بخانه که از دربار پاپان  
 با توپچی و قورخانه مامور کرمان بود در سیزدهم شهر مزبور وارد  
 دارلبسا و یزد شده و سه روز در یزد توقف کرده از آنجا

### روانہ کرمان شده اند

و همچنین نورالله خان نایب تو بخانه با تو سپان مامورین و البساد  
 یزد و چهاردهم شهر مزبور وارد گردیده اند و بعد از سه  
 روز تا ایچاد محمود خان نایب سابق که در یزد مامور بود با تو سپان  
 مامورین سابق روانه دارالخلافه طهران گردیده

دیگر نوشته اند که حاجی محمد صادق باجر طرانی غلامی سیاه داشته است  
 قدری پول حاجی مزبور را برداشته فرار کرده بود و در عرض راه با تو سپان  
 مشهورند و پول را به خرج نکرده بود تا که رفقه تسلیم حاجی مزبور را قینه مضبوط

انبار دول خارجه

انگلیس علیا حضرت پادشاه انگلیس در عمارت خود که در  
 جزیره ویت است توقف داشتند در فصل تابستان گذشته  
 که هوای آنجا بسیار صفا دارد و بسیار اوقات کشتی خود  
 سوار شده در جزایر آن ریاسات میکردند و بنا داشتند  
 در آخر تابستان مملکت اسکاتلند بروند چند روز در عمارت  
 حایر بود که عمارت سلطانیست و نشین پادشاهان مستدیم  
 انگلیس است توقف خواهند کرد و بعد از آن کوهستان  
 مملکت اسکاتلند میروند بجهت شکار کوزن که در آن است

منهوان سیتور

درین روزها در لندن انبار یکی از بنایان و همسایگان آتش  
 گرفته بود و چنین آتش گرفتن از آنوقت که مشورتخانههای آن  
 سوخته شده بود اما حال در هشتاد و شش نفر آتشاق نیقاده است  
 بهتدای این آتش گرفتن معلوم نیست که از کجا سرت گرفته بود  
 خلق آنقدر هیندند که آتش کمی از بالای باجهای پروان می  
 و چونکه این انبار را در کنار رود طمس افتاد و عکس آتش در میان  
 آب افتاد در شب آتشاق افتاده بود خالی از متاسا تا نبود صد  
 ذرع بیشتر از انبار آن سایر اطفا قها و خامخا سوخته شدند  
 میگویند که دو بیت هزار تومان بیشتر ضرر با بخاریده است  
 و نصف انبار که در آنجا بود سوخته شده بود که نظام آتش  
 خاموش کن سپرون آمدند و آتش را خاموش کردند

عقما پینه

از جمله معادن که درین مملکت بسیار بکار آمده است ذغال  
 شکیست که در مابین این نهر بغدادی اسلامبول جنوب و است  
 و جای که این معدن هست هر کلی مینامند و در آنجا بستر

پانزده فرسخ اغلب جا های آن هر جا می کنند ذغال سنگی در  
 می آید و این ذغال سنگی در کوه واقعت چهار صد فرسخ و  
 پانصد ذرع از کوه محیط ارتعاش شتر است و نزدیک باطل  
 قراؤنیزت هفتاد سال پیش ازین ابتدای پیدا شدن  
 این معدن ذغال سنگی بود و لکن درین روزها زیاد منفعت کرده  
 بجهت اینکه ترود کشتی بخار در آن صفحات زیاد شده است  
 تا بحال آن ذغال سنگی که در زمین پیدا است کنده اند و  
 در آورده اند آنقدر که در ذره اند که به اند ذغال سنگی که در زیر است  
 چگونه است و لکن آنجک که از علم معدن ذغال سر رشته دارند  
 میدانند که ذغال سنگی هر چه از ته تیق سپرون می آید بهتر شود  
 بیشتر از صد یا صد و پست ذرع کخند و باید قدری خرج  
 کرد و مایه گذاشت که درست بکار بیفتد و منفعت کلی بینند  
 حال سالی سی و پنج هزار طنو که هر طنو فی تجینا سه خروار بزرگ است  
 از آنجا پروان می آید و در تابستان بهوش قاطر و غیره بار کرده  
 و با سلا مبول میبرند که نشسته از آنکه در کشتی و لنگه میکذارند  
 کشتیهای بخار سینه با آنجا آمده ذغال سنگی بجهت مصرف  
 خود بار میکنند در یکی از دره ها مهندسان معدنچیان انگلیس  
 میباشند که کار میکنند را بی ساخته اند تا کنار دریا و حال اینست  
 روزی چهار صد یا پانصد کتونو سپرون بیارند که تجینا هزار و پست  
 یا هشتاد و پانصد خروار بوزن هشت عباسی باشد و از فستار  
 تصدیق صاحب منصب مهندسین که ترکیب خشکی و عمیق دریا در آن  
 سمتها امتحان کرده اند نوشته اند نزدیک به هر کلی لنگه که خوب است  
 بجهت کشتیها تا دریا خاک قرمز چسبده است که لنگه کشتی  
 در آنجا خوب گیر میکند و خشکی چنین ترکیب افتاده است که کشتیها  
 در آنجا از صد ملاحظه امواج محفوظ اند ذغال سنگی درین روزها

۱۲۸۹

در اسلامبول خسرواری هست و در نزار دنیارست و بسیار هم نسبت بسابق کران کم یاست و حساب کرده اند که اگر ذغال سنگی ازین معدن هر گلی سپردن می آید خسرواری هفت هزار بفروشش برود منفعت کلی میکند

فرانسه

یکی از نویسندگان فرانسه درین روزها نوشتجات نوی ایلیان پادشاه فرانسه را جمع کرده چاب میزند و این نوشتجات را در هر یک نوشته بود که امپراطور مرزبور در حصار محبس بود در ایام سلطنت نوی فلپت چون بعضی چیزها درین نوشتجات مطابق بمصلحت دولت فرانسه این ایام می آید و یونان مندرانه نویزند مرزبور را حساب کرده اند که من بعد چنین نوشتجات را چاب نزند

احوال است مشرفه در یکی از روزها همای انگلیس نوشته که ماهی که سه ذرع و نیم قد داشت و از بهان تم ماهی درنده است که فرانسه زکن مینامند در ولایت انگلیس گرفته اند و این ماهی بسیار کم اتفاق می افتد که در آن دریا با سپید لبشوند زیرا که ماهی درنده در دریا ماهی کر میرست پس میشوند در سرد

بجست غلام و کنیر سیما که از نیکی نیازا می شوند و در آن ولایت آنها بد میگذر و جانی معین کرده اند و در کنار ملکات افزینیه که اینجا شمشیر مینامند که برود در آنجا ساکن باشند و چونکه اینجا کر میر است آنها خوش میگذرد و درین روزها نوشته اند که درخت قهوه در آنجا کاشته بودند و قهوه خیلی خوب بعمل آمده بود کجا دارند که قهوه در آنجا آن شد بر محل پا و زند که بخارج نرفتند

در نیویارک سنگی دنیا از خارج بسیارند و حساب کرده اند که در مضمون و پانزده هفتصد که در آنجا مرده اند با ضد و همیشه دود و نفرا ولایت بوده اند و باقی هسل خارجه

در نیویارک سنگی دنیا جنوبی در منطقه ایران که در وسط تابستان سال ۱۸۷۱ برنگی سپار شده بود آب رودخانه بالا آمد و چینه در میان آب غرق شده بودند و بقدر صد هشتاد تومان ضرر بخلق خورده بود

نزدیک پیارسیس پای تخت فرانسه جانی با صفا هست که بواسطه بلوغ میماند و پشه است در چنگامیکه حصار دور شهر پیارسیس را ساخته بودند این پشه را قدری کوچک کردند بجهت ساختن حصا و باستان غیره حال نبودند قدری ازین پشه بمنم و شدند اهل پای تخت ازین مرحله و بخورد بجهت اینکه آنجا جانی تفریح بود بجهت بزرگ و کوچک و نزدیک شهر بود

در میان شکار نیویارک سنگی دنیا می شالی پول کم یاب بود بر تبه که منفعت پول در تجارت که در اکثر اوقات از هشتاد سالی صد تومان پنج تومان است این روزها شده است سالی صد تومان و توبان بلکه بهم بعضی اوقات پانزده تومان میدهند آنهم در جایکه محسبتر باشد

از ملکات اسپانیول نوشته اند که در بلوک اندلس که گریست آنولا نیست و جانی حاصل آور حاصل غله و مقابل حاصل سال گذشته آمد و بود در بعضی ولایات ایتالیا یک و نصف قیمت کنتم منزل کرده بود آنهم بسبب فراوان آمدن غله بود هم در آنجا و هم در سایر محاکم کنار آق و بخینند

دولت پوتوقال بنا دارند در کنار رود دطا کوسس راه آهن سازد بجست تردد کالسکه بخار از شهر سنطره الی بحر محیط هشتصد هزار پونج طرح ساختن این راه را بر آورده اند که تخمینا سه کرو و صد هزار تومان پول ایران میشود اکثر سفعت این پول از اجاره بنارنا و سکو نامی کنار دریا حاصل میشود و منعیستش از راه آهن کالسکه



در روزنامه سابق نوشته شده بود در خصوص فرانس سجزی  
 که از رود نیل مصر بولایت انگلیس آورده بودند این حیوان  
 حالاً بولایت مزبور بیای تحت لندن رسیده است  
 یکی از سابق در لندن داشتند نر بود و اینکه حالاً آورده  
 داده است و اگر سابق آورده بودند بچه بود حال پنج ساله است  
 و اینکه در این اوقات آورده اند پاشای مصر بولایت  
 انگلیس فرستاده است آب و هوای انگلیس نسبت به  
 مملکت فریجه که اسباب آبی از آنجا بهل می آید بسیار سرد  
 و لکن معلوم میشود که باین حیوان خوب سازش می کند از آنکه  
 اینبار که بولایت انگلیس آورده اند خوب به شده است

در مابین مملکت کاناده و خاک دولت جمهوری نیکی دنیا  
 شمالی دریاچه های بزرگ آب شیرین است که بعضی چمن چاه  
 فرسخ طول و هفت ممت فرسخ تاده فرسخ عرض دارند  
 در آنجا کشتی تردد می کند و لکن چون در رودخانه  
 لاریس که از آنجا بحر محیط می رود آبش تند جاریست  
 و بعضی جایها عبور نمی کند زیرا که آب آنسنگ سنگ و  
 گوه بکوه مانند آب ریز بزرگ کشتی در آنجا شکسته و خرق  
 میشود در شهرهای گوبک و پینکس که دو شهر مشهور کانادا  
 نیکی دنیا شمالی اند مدت که کشتیهای خوب بزرگ  
 و لکن تا بحال در دریاچه های آب شیرین که بالای رودخانه  
 کشتی بزرگ ساخته اند که بدینا بنفستند بسبب تند  
 جاری شدن آب چنانکه نوشته شد درین روزها  
 کشتیهای بزرگ در خطر آفتو که بالای کانادا  
 ساخته است و از آنجا آرد بار کرده و یکس از آن دریا  
 آب شیرین بولایت انگلیس فرستاده است و تا بحال این

ناجس کشتی بزرگ در آنجا ساخته و بدینا بر آورده اند  
 یکی مشتمد و چهل و دو طن و یکی هزار طن و با کبری دارند  
 و آنکه اول ساخته بودند قدیمی این دو کشتی کو چکریست

در شهر توکیو مملکت انگلیس جان آتش افتاده و سوزندگی شد  
 بود که تا بحال هیچکس در آن شهر اینطور سوزندگی نداشت  
 شد است اول آتش میان اینبار میان تانی افتاد بود  
 و چون که کارخانه مزبور بلند بود با استقامت باد و سوز  
 و سقف بام میان آتش افتاد و درین بین حرارت آتش  
 چنان شدت کرد که اینباری که پر از کور و در آن نزدیکی  
 بود گرم شد بطوریکه کور کرد آتش بیرون ریخت و قوی  
 جاری شد و بیرون آمد کس آتش کرد ابتدای آتش  
 از ظهر بود و کور کرد در شب آتش گرفت بعد از آن اینباری که  
 پر از پنبه بود آتش گرفت در اینبار دیگر نیز سرب زیاد  
 آتش از شدت حرارت آتش آب شده بیرون جاری  
 شد این اینبار هشت مرتبه بودند و پیه که اخته و سرب کور کرد  
 و داخل هم بیرون می آمد بطوریکه مانند آب آتش بود کشتیها  
 که در رودخانه بودند اهل کشتی آنها را دور بردند که سباز  
 آتش با آنها نیز سرب است نماید و درین هنگام امید داشتند که  
 آتش را بتوانند خاموش بکنند که بجای دیگر سرب نماند  
 اما در اینبارهای نزدیک با آنجا نطق و شوره و پیه و کور کرد  
 و غلیظ بسیار زیاد داشت و میگویند که کمی بار و خیم در آنجا  
 بود اما محقق نیست اینبار که این استیاء و میان آنها بود  
 بسیار محکم و مشبوط ساخته شده بود بطوریکه چکان داشتند که  
 آتش با آنجا تاثیر نداشتند ایند که گری این سوزندگی تاثیر کرد

۱۲۹۱

بطوری که ان انبارها که آتش با آنها رسیده است نیز گرم شده اند  
یکبار دیدند که انبارهای مزبور که ارتفاع زیاد داشتند  
مانند بار و ط آتش گرفته به هوا بلند گردیدند و زمین مانند  
زلزله سبکت آمد پلها که در رودخانهها ساخته بودند کم تا  
بود که خراب بشوند و رودخانه مانند دریا موج میزد در آنجا  
که سبته بودند از صدمه آتش کشته شدند و کوهها  
از شیشه شکسته و سفالینه و غیره پر گردیدند و زمین و  
اطفال که خوابیده بودند همه ازین مقدمه بیدار گردیدند و کوهها  
ریختند که به بیند چه خبر شد و آنها که در کنار رودخانهها  
ایستاده بودند دیدند که پل بلندی که در روی رودخانه ساخته  
بودند مانند سپهر نازک در حرکت و لرزه است و فریاد  
و بیابانک خلق با سمان میرفت اطفال پدر و مادر خود را  
کم کرده بودند و پدر و مادر پل اطفال خود می گشتند بچاه  
سرباز که در آنجا بودند طولی نماند آب با شیمی آوردند و نفر  
از این لشخاص سوخته و تلف و سی و دو نفر محترق که زنده  
اما قریب به هلاکت بودند تا بحال معلوم نیست که چند کشته  
و زخمی شده اند آنچه معلومست بقدر پانصد نفر کشته  
شده اند اما کمان میزند که بسیاری در زیر خاک و حراب  
مانده اند که بعد معلوم خواهد شد ضرر که مردم خورده است  
از چهار کرو پول ایرانت و ضرب آتش گرفتن انبارها  
مزبور ازین معلوم میشود که تا دو فرسخ دور شهر تخته و کاغذ و کتابها  
و غیره در روی زمین پاشیده بود و در کل خانهها که صد  
وزع در صد ذرع دور آنجا بودند کجا پیش خرابی بهم رسیده بود  
و از احسن اتفاقات اینکه این سوزندگی در کنار رودخانه  
بزرگ شده بود بطوری که از آب تنگستی نمیشد و الا

احتمال ضرر و خرابی پیش ازین مشهور بود از طرف ولایت  
انگلیس که آتش گرفته است بسیار آباد است شهرها و قصبهها  
همه نزدیک بهم اند و از آنجا نظام آتش خاموش کن با  
چرخ آب پاشی عوارض آنجا حاضر شدند چنانکه فاعده است  
این بطوری که رفتن اعیان شهر جمع میشود که تحقیق نماید تحقیق  
گردند اما معلوم نشد که در آنجا بار و ط بوده است یا نه  
سیکونیک که همان اجزا که در آنجا بود از شدت حرارت آتش  
خود بخود مانند بار و ط آتش میگیرد و خرابی میسرسانند در  
مملکت انگلیس قدغن است که کسی بار و ط زیاد در میان آب  
نگاه ندارد و اگر کسی بار و ط زیاد داشته باشد باید بوی  
خبر کند که بجای خاطر جمعی بگذارند از آن جهت یک صاحب  
از ایوان مامور شده است و با آنجا آمده که درین باب  
مکند

در روزنامه انگلیس نوشته اند که در پنجاه و شش سال  
پیش ازین که این دولت با دولت اسپانیول جنگ داشته  
چهار کشتی کوچک انگلیس دو کشتی بزرگ اسپانیول را گرفته  
و بولایت انگلیس آوردند و بار این کشتیها خاک غلا و نقره و  
پودر و ولایت انگلیس فروختند و پولش سیصد و یازده هزار  
شصد و نود و پونصد شده بود که تخمینا یک کرو و صد و بیست  
هزار و سیصد و شصت تومان این ولایت میشود در چین  
جنگ در روی دریا تاخت و عارت میشود و لکن چین غنیست  
که در یکروز بد کشتیهای مزبور اتفاق افتاد

۱۲۹۲

که در یکروز بد کشتیهای مزبور اتفاق افتاد

بزرگ شده بود بطوری که از آب تنگستی نمیشد و الا

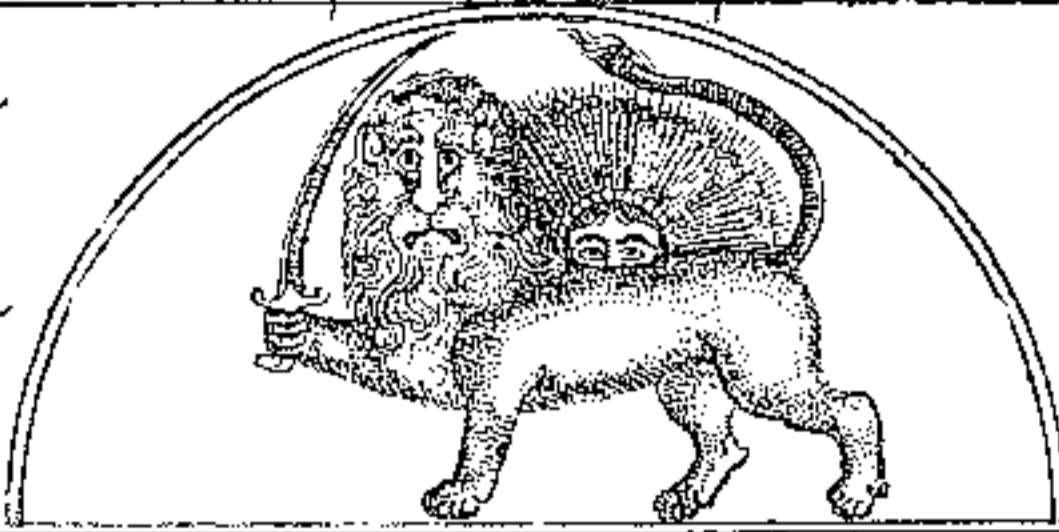
# روزنامه قایق آفتاب پنج شنبه و سیمه سیح الاول مطابق سال ۱۳۷۱

مزد دویت و دو

قیمت روزنامه

یک نسخه و دوشاهی یک

دو تومان و چهار هزار



منطقه و از اختلاف طهران

قیمت اعلانات

کیطرای چهار سطر که یازده

سپتر باشد هر سطر یک

## اخبار و چند مالک محروم و شاهای

### دار اختلاف طهران

اعلیحضرت پادشاهی چنانچه در روزنامه سابق نوشته شده بود که شکارگاه جاسرود تشریف فرما شدند چون رسم شکار درین دولت علیه خصوصیت دارد و در هیچ یک از دول دیگر این قانون مابین اساس و جلال که امنای دولت علیه و چاکران حضرت کردند بطلت سینه و عموم نوکر باب با لوازم اسباب شکار باید تفرم رکاب همایون باشد معمول نیست لهذا این قانون درین دولت علیه تفسیح و اساس تمام دارد و هر ساله بعضی این شکارگاهها موکب همایون حرکت میفرمایند درین اوقات که شکارگاه جاسرود تشریف بردند چنانچه سابقا نوشته شده شد جناب جلالت مآب امجد الفخیم صدر اعظم و سایر خدم و حشم و اغلب اهل سلاح در موکب همایون بودند و در آن اطراف توقف فرمودند و شکار از برقم فرماوان شد و از آنجا بجهارامیر که شش فرسخت تا شهر تشریف بردند شب در آنجا تشریف داشتند و نظر با احترام جانب علمای اعلام و القات خاطر ملوکانه بعضی شاهسزادگان عظام که در موکب همایون نبودند

و ظهور مراتب و داد با سفرای دول متجا به بجهت هر یک بر یک از شکارگاه شکار کجک و عینره مخصوصا با اختلاف مبارکه و نتانند و در هنگام مراجعت در روز یکشنبه بعد از ظهر حسب الامر همایون چند فوج از افواج متوقف دار اختلاف مبارکه با توپخانه و عینره در میدان خارج دروازه دولاب حاضر شده بعضی مشق حرکات قشون و جنگ مخلوبه که طرز جنگ و تازکی داشتند حضور مبارک نمودند و حرکات افواج قاهره مطبوع و مستحسن خاطر ملوکانه افتاد و دو ساعت بفریب مانده از دروازه دولاب داخل شهر گردیده و از میدان خارج و دروازه مبارکه که سلطانی شدند

از جمله ایرادیکه انالی یوروب برای این مملکت تدارک میدهند یکی اینست که تقصیر متهم ثابت نشده است نه میکنند و قرار پنجه هم بچوب کاریست و در حقیقت این شبهه بی اصلیت که در حق دولت ایران شرت داده اند و اولیای دولت بصراحت خودشان نه احدی را بی ثبوت حشرم بمقام تشنه و بیست می آورند و نه چو بجاری و سیاست را بنیبر مستحقین و مرکتین تقصیرات عظیمه در باره کسی جانیر و و امید دارند بلکه کسی

۱۲۹۳

از خود اهل یورپ در این مملکت هستند کمال ابرام و نهایت  
 اصرار دارند که بجهت ادعای این که فلان کس در نظر ما  
 مقصود است بدون رسیدگی و تحقیق تنبیه شود آنگاه  
 بچو بکاری لا عیند و الحقی در سر کو چها که خسر و خفت  
 آن در این مملکت از هزار گونه مشکوکه بدتر است دور  
 نیست که این نوع تباهی کار آنها باعث اینگونه اراچه  
 بوده باشد باری اولیای دولت ایران محض رفع  
 اینگونه شبهه های اناالی یورپ و استمرار در طریق  
 حقانیت و معدلت بر خود ستاد دادند که تا تقصیر تمام  
 ثابت و محقق نشود پتنبیه او نپردازند و تنبیه هم منحصر  
 بکس باشد آنگاه باندازه مجرم و تقصیرش دیگر بنا بر  
 اصرار مدعی هیچ تمهید بدون اثبات تقصیر تنبیه که  
 منحصر بکس است نکنند و بنا با اصرار آنها تمکین آن نوع  
 تنبیه که در نظر کل اناالی یورپ خوش آیند نیست بنیاد  
 و بهنگ ترت مردم و کینوع زبر شکنجه عدالت

بر چند امسال قدری خشک سالی شد باز بقدر کفایت  
 خلق غله نو و کهنه بست که بارزانی خرید و فروخت شود  
 اما چون از یک طرف مردم هول برداشته و در فکر این  
 افتادند که تدارک آذوقه کل سال را یک دفعه بپسند و از  
 طرف دیگر صاحبان املاک و مایه بمقام اسناد ارباب  
 برخواستند بدو جهت مسطوره چندیت که روز بروز  
 قیمت غله بالا میرود و از اینجا میکه همیشه رفاه و آسایش  
 عموم خلایق منظور نظر میا یونست حسب الامر الاحدس مقرر  
 آمد که اسناد روری موقوف شود و نرخ غله و گاه در  
 دار الخلافه طران از استمرار تقصیر ذیل باشد که رفاه شتری

۱۲۹۴

و فرو شدند بر دو هست کیم بر کیم بر کیم  
 مقرب الخاقان میرزا موسی وزیر دار الخلافه و فتح خان  
 و احمد خان نوائی و قاسم خان جارچی باشی مامور شدند  
 که هر جا انبار سراغ نمایند بجهت مصارف ارباب احتیاج  
 ضبط نمایند و قیمت آنرا از استمرار تقصیل فوق کار سازی  
 کنند بموجب این اعلام نامه بر چه کس لازم میگردد که هر جا  
 انبار غله سراغ نمایند مقرب الخاقان مشایر الیم را اطلاع داد  
 که آنها از روی دستور العمل خود رفتار نمایند و از اینجا بکه  
 در حقیقت مقرب الخاقان مشایر الیم مامور بتدارک آذوقه  
 سایانه خلق هستند و کینوع ضامن رسانیدن آذوقه  
 بصفت مسطوره فوق پیاشند لند الزومی ندارد که هر کس  
 یک دفعه آذوقه سایانه خود را بخرد بلکه میتواند بتدریج  
 خریداری نماید و مطمئن باشد که عسرت نخواهد کشید و نیز  
 بحکام ولایات نزدیک اعلام میشود که هر کدام بتواند بصفتیکه  
 معین شده است غله بطهران رساند باندازه این نوع  
 خدمتش مورد الثقات خاص سعکار اعلیحضرت شاهنشاهی  
 خواهد شد دیگر بجموع اناالی طهران تکلیف میشود که هر کس  
 مال و دواب زیادی دارد در طهران نگاه ندارد یا بخارج  
 بفروشد یا جائی بفرستد که سنه اولی و ارزانی باشد

سایر ولایات

آذربایجان از استمرار یک در روزنامه آذربایجان  
 نوشته بودند امر آنجا از اهتمامات اولیای دولت علیه  
 کمال نظم و انضباط را دارد و دواب شاهنشاده و الاتبان  
 نصره الدوله نایب الایاله آذربایجان و مقرب الخاقان  
 قایم مقام در نظم امور مملکت و تحصیل موجبات آسایش

و آرایش رعیت کمال اهتمام را دارند و از هر کس  
 خلاف قاعده ظاهر شود اعم از اهل نظام و غیر نظام  
 مقرب الخاقان مشارالیه در رفع آن کمال اهتمام مینمایند  
 از جمیع بعضی افواج که احضار شده به سبب زیور  
 شده بودند بنیای وزوی گذاشته که سفندی می کشند  
 و اخلال با مرقصا بنحانه میگرداند مقرب الخاقان مشارالیه  
 قدغن کرده اند که کشتن کو سفند را موقوف دارند تا جماعت  
 قصابان با سود کی و سفند اغت مشغول کسب خودشان  
 باشند و آنها یک مسدود میزدگی شده بودند مقرب الخاقان  
 مشارالیه پست سفند از متقیرین را در اطلاق نظام منضم  
 کرده تنبیه نظامی از آنها بعمل آورده اند و با تفصیل امر  
 مقصدا بنحانه اینجا کمال نظم را دارد

نوشته بودند بقدر ششصد تومان جوهر و اسباب  
 عالیجاه حبسریل خان پسر مصمام خان سرعت شده بود  
 مراتب را بمقرب الخاقان قایم مقام معلوم داشته صادق  
 داروغه را خواسته باوق بنین کرده بودند که مال را از تو  
 میجویم او بهم سپرد کرده و رده تسلیم حبس کرده

از قراریکه نوشته بودند کوج جناب محسن المجهتین حاج  
 میرزا باستر امام جمعه و جماعت وفات یافته بود در مسجد  
 مجلس فاتحه خوانی بر پا کرده بودند مقرب الخاقان قایم  
 مقام و دسر مهمام خارج مجلس تغزیه جناب مشارالیه  
 رفته اند و وزیریم نواب شاهنوراده بنحانه جناب ابام  
 تشریف برده مجلس تغزیه را برچیدند

کرمان

نوشته اند که قشونیکه با شاق عالیجاه موسی خان

سرحد دار نیم و نرماشیر مامور سفر بمپور و بلوچستان  
 بود در هشتم ماه صفر از سنجش با تو بنحانه و قورخانه روانه  
 گردید بعد از ورود به بم کافتی از مشارالیه رسیده  
 بود که بقدر دو هفتاد نفر از بلوچ سیستان و آنظر فها  
 باراده تاخت و تاز و زدوی در شبکه سیستان جمع شده  
 بودند اند و جاسوس آنها بدیند جات نرماشیر آمده همه جا  
 تفنگچی و دستراول مستعد دیده مراجعت کرده بود در روز  
 مراجعت جاسوس مزبور ناخوشی در میان اشعار مزبور  
 افتاده بقتدر چهار صد هفتاد نفر آنها تلف شده بودند و  
 ما بقی یکدیگر را در سرحد سیستان تاخت و تاز کرده متفرق  
 شده اند امیر الامرا العظام سردار بعد از استماع این خبر  
 نوشتجات بعالیجاهان سردار علیخان حاکم سیستان و  
 امیر اسپیم خان و دوست محمد خان بلوچ نوشته و با  
 چار رو اند داشته اند که یا متفقا اشعار مزبور را  
 تنبیه و کوشمال بدینند یا صریحا بنویسند که ما قود دفع  
 این اشعار را نذریم تا از کرمان قشون مامور دفع  
 آنها شود

ماندران

از دسترا یک در روز نامه ماندران نوشته بودند بعد از وفات  
 مرحوم مصطفی قلی میرزا از بابت نبودن حاکم فی الجمله اختیاری در نظام امور آنجا  
 حاصل شده بود سه نفر از متابعین ارونجه بلده بار فروش برای اخذ جزی  
 مشهدی اسمعیل نام عطار بار فروش کنگنه ده سده کلای و فرود آورده بودند که  
 نزدیکه بلاکت بود مرده بود مراتب عرض نواب شاهنوراده پسر پسر حکم صادر کرده  
 آدم فرستادند که رفته در کتین را گرفته پیاورد آنها را که خدمت نواب مغزی  
 آوردند موافق حکم شرع و رضای رفته مقول شمار کرده اند این بقصص من خواستند

۱۲۹۵

۱۲۹۵

### شعیرا جناس و انجلیطه طهران

دارچین یک من یک تومان	کنندم یک حسروار پست و دو هزار
زعفران ده سیر شانزده هزار	چوبک حسروار پنجاه هزار
قدیزی یک من چهار هزار و هفتصد و بیست	گاه یک حسروار هشت هزار
قداری یک من هفت هزار	سجودرسی یکجزوار سه تومان
زیره یک من دو هزار و یک عباسی	باش یکجزوار بیت و پنجاه
رز شک بیرانه یک من سه هزار	لوبیا یکجزوار سه تومان و یکریال
رز شک تبریزی یک من چهار هزار	عدس یکجزوار سه تومان
شکر یک من سه هزار و پانصد و بیست	ارزن یکجزوار ده ریال
بنات یک من پنجاه و نیار	کرچک یکجزوار سه تومان و ششصد و بیست
فلفل یک من چهار هزار و پانصد و بیست	سکنیک یکجزوار پانزده هزار
سکنجین یک من سه هزار	لبنج یکجزوار چهار تومان و نیم
آب لیمو یک من و ریال	پونج خشک یکجزوار یازده هزار
حلویات خوب یک من پنجاه و بیست	برنج غبیرلو یک من دو هزار و سیصد و بیست
تباکوی اعلی چهار من شانزده هزار	روغن چهار من سیزده هزار و پانزده
تباکوی وسط چهار من یک تومان	برنج کرده چهار من دو هزار

### اجبار و ول خارجه

انگلیس تاریخ کاغذ آخر که ازین ولایت رسید بیت و پنجم محرم بود علیا حضرت پادشاه انگلیس درین تاریخ در عمارت ویترا شریف داشتند و زرا که اهل خاص پادشاهند حسب حکم جمع شده بودند و حکم کرده بود که اهل مشورتخانه و کلای رعایا و خوانین بتاریخ ۲۰ صفر در مشورتخانه لندن بجهت انجام امور دولتی جمع بشوند این حکم بخدمت خلق اعلام کرده اند و لکن چنین میدانند که در اوقت جمع نخواهند شد و در این بین حکم ثانی صادر خواهد کردید که

سیره چهار من دو هزار و هفتصد	تان یکجزوار بیت و سه هزار و پانصد
پنبه که اخته چهار من هفت هزار و پانصد	گوشت یک من هزار و نیار
شیر یک من دو هزار و چهارصد و بیست	شمع یک من دو هزار و چهارصد و بیست
پنیر شور چهار من شش هزار و ده شاهی	پنیر شور چهار من شش هزار و ده شاهی
ماست چهار من یک هزار و هفتصد و بیست	ماست چهار من یک هزار و هفتصد و بیست
بل یک من بیت و یک هزار	بل یک من بیت و یک هزار
میخک یک من پنجاه و پانصد و نیار	میخک یک من پنجاه و پانصد و نیار

جد بزرگ مستبان جمع بشوند در روزنامه اسلامبول خبری که با نسیم و چرخ آتشی از لندن بتاریخ ششم صفر رسید نوشت بود که آتش در میان خانهای شهر لوزان اول افتاد و خانهای بسیار سوختند و اموال زیاد از مردم تلف شد

### اسپانیول

درین ولایت برهنجوردی مجتهد و در میان خلق شده بود و امید داشتند که کم کم نظمی در آنجا بگذرانند که خونریزی و اغتشاش نشود

موسیو سول و وزیر مختار از جناب دولت بنگلی دیناکی نامور در ریوی پایتخت اسپانیول از دولت اسپانیول از آن مراجعت خواسته بود و دوستی با این دو ولایت را هم زود بود خودش از ملک اسپانیول پروردن نموده بود و در خاک فرانسه نزدیک بسرحه نشسته بود تا از دولت خودش چه حکم شود تعیین سبب بر سر زدن دولت با این دو ولایت را نوشته اند و لکن چند وقت است که گفتگو با این دو ولایت مربوط است در خصوص جزیره کوبو بعضی مطالب دیگر و کمان داشته که سایر دول فرنگستان در میان توسط و میا بجزگری میکنند و الا این دو دولت برود طالب جنگ اند

### فرانسه

تاریخ روزنامه آخر که درین هفته از این ولایت رسید روزنامه انگلیس بود چونکه در اکثر بلوکات شهرت حاصل آمده بود قیمت غله تنزل کرده و از آن شده بود و امید داشتند که در اندک مدت قیمت سنوا سابق برسد تا چونکه در بعضی بلوکات بنگلی و نیاک از آنجا غله بفرنگستان میروند

حاصل بسیار کم آمد و خشک سالی شد و بود احتمال میرفت که غله در فرنگستان چندان تنزل کند تا بعد ازین چه محتمل بشود و در بعضی بلوکات بنگلی و نیاک شمالی که در سالها متعارف افتد رقله فراوان دارند که نصیب حاصل آنها سنجای میرفت اسسال زیاد از قدر کفایت خود انالی اینجا بعضی نیامده است بلکه در بعضی جایها عوض اینکه غله سنجای حالا باید از خارج بخرند و در نیت که کم آمدن غله بنگلی و نیاک باعث این بشود که غله در فرنگستان چندان تنزل کند و الا

در ولایت فرانسه و ایتالیا و انگلیس و بعضی جایهای دیگر غله بسیار اسسال بعضی آمده است احوال در این مناطق از سبب بسیار منظم و خوب بود و ولایت است کاملاً همیشه و شعلی در آن ولایت خوب شرفت داشت و هرگونه زراعت خوب آمده بود مگر حاصل انکور که با زراعت میان تاک انکور افتاده بود و آنها که در سمت جنوب فرانسه و اسپانیول و سایر جایها که زراعتشان وابسته بجا انکور بود ضرر کلی ازین محسد با آنها وارد خواهد آمد

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که اعلیحضرت مسافران عبدالمجید سیمه جناب مشرک کونت و لیتون وزیر جنگ فرنگستان مجیدیه از مرتبه اعلی فرستاده است و جناب ولی الدین رفعت پاشا سفیر کبیر از جانب دولت عثمانیه نامور پاریس بای تخت فرنگستان فرود آورده است جنک مشارالیه در آنجا داده است

### سایر دول فرنگستان

پادشاه و نیارک که در تابستان گذشته در روی دریا

۱۲۹۷

نزدیک پولایت خودش گشت و سیاحت میکرد چونکه بعضی اطاک در مملکت سوید وارد لیر کشی اطاک خود با رفتن بود

پادشاه پورتو قال که مدتی است در فرنگستان سیاحت میکند در شهر برلین قدری ناخوش شده بود ولیکن صحت یافته و از آنجا بپشت پای تخت مملکت استریم رفت

احوال متفرقه

از جمله چیزهای غریب که درین روزها در ولایت انگلیس در کارخانه نازده ساخته اند یک ورق کاغذ بود که در آن خرزوار بود و طولش بیشتر از شصت ذراع

شیلات در مملکت انگلیس امسال منفعت خوب کرده است خصوصاً از آداماسی در یکی از شیلات آنجا که این ماهی میگیرند درین چند ماه تا سبتان که موسم گرفتن این ماهی است بیشتر از سیصد خرزوار بوزن هشت عباسی ماهی گرفته بودند و بر روی سم هر یک چهار هزار و پانزده شاخه بوزن هشت

در بعضی جایهای فرنگستان رعایا در عوض میزم خاک میوزاند و نگاه داشتن خاک چمن باین طریق است که چمن را بزم آید و خاکش سیاه شده است باین می بزرگ و خشک می کنند و نزدیک بخانه خودشان بجهت میزم میدارند مانند سوخت کاوه و عنبره که در این ولایت میوزاند میوز و حال در مملکت بواریه این خاک چمن را بطوری حمل می آورند که مانند ذغال سنگی می شود و در عوض ذغال در بعضی جریهای بخار مصرف می کنند و بجهت خرج کالک که در این ولایت تردد و عبور میکند هم مصرف آمده است

۱۲۹۸

از شهر آمورب مملکت است که در اصطلاح فرانسه آمورب می نامند نوشته اند که در شش ماه اول امسال پانزده هزار هشتصد و نود و شش نفر از آن شهر خارج شده اند که بروی بی بیکی دنیا و جاهای دیگر سکنی بگیرند و این بیشتر از آن است که در تمام سال گذشته از آنجا بیرون رفته اند ازین جهت که از شهر آمورب بیرون رفته اند ده هزار نفر از آن سوید هستند و حساب کرده اند که از هر سیصد نفر یک نفر از آن سوید درین یکسال و نیم از آن ولایت بیرون رفته اند که در جاهای دیگر ساکن بشوند

مدتم سنت او را که روزه یکی از جوانین معتبر فرانسه بود درین روزها فوت گردیده است و از قرار یک نوشته است مشارالیه یکسال عمر کرده بود

فراوانی حاصل غذا امسال در مملکت انگلیس در بعضی بلوکات ازین معلوم میشود که یکی از زراعت کاران سمت جنوبی این ولایت که چهار هزار خرزوار تخم امسال کاشته است که در مدت چهل سال که باین عمل مشغولم تا حال بخاطر کم نمی آید حاصل اینطور آمد کرده باشد و نذر سبب است که در اکثر جایها که خودش تخم کاشته است تخمی مفیده تخم بیاورد

راه آهن سخته تردد کالک بخار باین سکندریه مصر و قاهره هنوز کشته نشده است و لکن در فصل بهار آینه نام خواهد شد

اقتادان راه مزبور سلبش این بود که در نزدیکی رود نیل در بعضی جایها باید ارتفاعش نیم ذراع بلکه سه چهار یک بیشتر از آن باشد که سابق بر او رد کرده بودند برای اینکه در وقت تابستان بالا می آید ضرر بر راه مزبور نرساند



در روزنامه اسلامبول نوشته اند که در بعضی جنس ایریون  
 که اکثر حاصلش از میوهات خشک است خصوصاً اقمام  
 کتمش نسبت بسالهای سابق بسیار خوب بل آمد  
 بود اگر چه باز آفتی میان تاک انگور افتاده بود و لکن بعضی  
 از اعیان آنجا ظلم غریب بخلق کرده بودند قیمت کتیش  
 در طریقت مملکت استریه که اکثرش با آنجا میرود هر کلمه  
 که چیل و چهار حقه است از شانزده فلارن تا پست فلارن  
 میشود که تخمیناً صد و شصت یا دویست قروش ریاج مملکت  
 عثمانیه است بخلق حکم کرده بودند که هر کلمه شصت قروش  
 بفروشند و خودشان غنماً میخریدند و بخرید میفرستادند  
 این کارش زود بعرض امنای دولت رسید و رفع  
 ظلم از ابل آنجا کردند و ستیپنه که سراوار اعیان بودند  
 دیوان در محافظت احوال رعایای آنست اتمام کامل داد  
 از جمله مبالغ کلی شرح کرده اند بجهت کود کردن و بعت  
 لنگرگاه کشتیها که با آنجا می آیند و بار میرند که حاصل  
 رعایا بزودی و سهولت بفروش برود و لکن بعضی از انا  
 خود آنجا بطوریکه نوشته شد ظلم کردند بودند

ایضا در روزنامه اسلامبول نوشته اند که علی افندی  
 که مدتی از جانب دولت علیه عثمانیه در برلین مصلحت گذر  
 بود بعد از مامور شدن کامل افندی برلین منصب وزیر  
 محاری مشارالیه با اسلامبول مراجعت کرده است و در هنگام  
 توقف او در برلین پای تخت پرویه در امور دولتی محول بود  
 کمال اهتمام و غیرت و درستکاری عمل آورده است

در روزنامه برلین پای تخت پرویه نوشته اند که آتش

در شهر کل در انبار قنبا افتاده بود شهر کل یکی از بزرگترین شهرهای  
 مملکت پرویه است و چونکه در کنار دریا واقعست تجارت  
 عمده بدولت خارجی دارد بکساعت بعد از غروب آفتاب  
 ابتدای آتش گرفتن ظهور کرد چون باد شدت میوزید  
 زود بخانههای اطراف سرایت کرد و بانبار سینرم رسیدم  
 آتش خاموش کن رآن شهر زیاد مضبوطست اما چون که  
 در اکثر خانههای اطراف انبارهای بزرگ از قنبا و کتان دان  
 بسبب باد شدید نتوانستند خاموش کنند بعضی از کشتیها  
 که در لنگرگاه بود میان ریاکشیدند که از آتش سالم باشند  
 که آتش گرفته بود زیرش را سوراخ کرده درهما غرق کردند  
 که آتش بجای دیگر سرایت نهند و هزار ذرع ازین شهر آتش گرفتند  
 و کوچها و جاهای خوب آن شهر همه خاکستر و خراب شده اند  
 خرابخانه دولتی پنج مدرسه و تماشاخانه سوخته شده است  
 معلوم نیست که چه قدر ضرر بخلق خورده است و لکن معلومست  
 که چند کرو در حساب پول ایران میشود در روزنامه که تاریخ آن  
 دوروز بعد ازین آتش گرفتن بود نوشته اند که حساب کرده اند  
 پنجاه عیان فرانک بحساب مندانند که تخمیناً ده کرو و پون پول ایرانست

ضرر بخلق رسیده است

در روزنامه سابق نوشته شده بود که دولت جمهوری نیکی دنیا  
 شمالی منجواستند یکی از ممالک کوچک ایتالیا را که مناکو مینامند  
 بخرند در سر این مطلب خیلی کشکوشد کویا بعضی از دول راضی نبودند  
 که دولت فرپوز زمین در اطراف بحر سفید داشته باشند حال از  
 قرار نوشته آنها معلوم میشود که یا اصل داشت یا معامله آنها سر گرفت  
 اگر چنین کشکوشی بود پس ما مخفی بود و در تاریخ که روزنامه دولی مملکت  
 فرانسه پاشد نوشته اند که این مطلب از اول اصل نمیشد

۱۲۹۹

در شهر پست مملکت استریم مردم زیاد کرده و محبوبس کرده اند  
 و در سایر ممالک مجار که جزو ممالک استریم پیا شد نیز بسیار  
 از مردم را گرفته اند و اکثرشان از ایمان و از کیششان بزرگ  
 دین آنها هستند از صاحبان اطلاق و مردم متمول سبب گرفتن  
 و محبوبس کردن این اشخاص درست معلوم نشده است

در روزنامه انگلیس نوشته اند که کار معدنچیان در مملکت  
 بسیار خوب پیش میرفت و معادن خوب کار میکردند چنانچه  
 مزار که معادن ولایت فربور با نیرتبه در کار باشند اکثر  
 معادن این مملکت از مس و قلعست و معدن قلع در دو جای دنیا  
 دارند که اکثر ممالک روی زمین از ایام قدیم ازین دو جا قلع  
 میخریدند و حالا هم همینند یکی در جزیره بنکاره یکی از جزایر  
 بحر هند است و یکی در مملکت انگلیس معدن قلع در ولایت انگلین  
 از تواریخ معلومست که دو هزار سال پیش ازین در کار بود  
 و آنوقت بهم قلع از آنجا بمالک اطراف بحر سیند میرفت که مصر و  
 عربستان و ایتالیا و اندلس و عینسره در آن ایام مکه پیش ازین  
 قلع از ولایت انگلیس میخریدند

در روزنامه جزیره سیلیا نوشته اند که حاصل قلع در آنجا بسیار  
 خوب بعل آمده بود و امید داشتند که حاصل انکور سیندر در آن  
 ولایت خوب بعل بیاید

در حساب تجارت دولت نیکی دنیای شمالی نوشته اند که در  
 چهار سال گذشته چهارده هزار جنس در پوزن هشت عمای  
 مجتهد بجهت ساختن کاغذ از ممالک خارج داخل آن ولایت شده است  
 در سمت جنوب هندوستان جایی هست که جگنات مینامند  
 که در آنجا بت بزرگ از سنگ تراشیده در روی عراب نگاه میدارند  
 و سالی یکده آن بت را دور تاجان میگردانند و هندو ما که بت را

می آیند بعضی خود را در زیر عراب می اندازند و خورد میشوند اما سال  
 هند و آنجا با بخار شده اند بطوریکه آذوقه آنها رسیده و بسیار  
 از آنها از کرسنگی درهما بخالتف شدند

در روزنامه کشتیکه از ولایت نول بالندی آمد نوشته اند که در  
 فصل بهار گذشته وقتیکه رسیده بودند بدرجه پنجاه و شش  
 عرض جنوبی و صد و چهل و یک طول مغربی کوهی در میان دریا  
 دیده بودند اول سه چهار پشته پیدا شد بعضی یک میدان آب  
 طول و نیم میدان عرض و صد ذرع ارتفاع داشتند هوا  
 رطوبت زیاد داشت و تاریک بود و کمال احتیاط بجهت کشتی  
 داشت و وقتیکه بالای تیر کشتی رفتند از هر طرف که نگاه میکردند  
 دریا پر از کوهی بود و کمال احتیاط در رفتن کشتی داشتند که ننگند  
 شش کشتی یکی ازین کوهها خورد و مکن بطوری نخورده بود که ننگست  
 بشود چهار روز در میان این کوههای یخ بودند و حساب کرده اند  
 که بقدر صد فرسخ دریا این یخ را داشت تا رسیدند کپت آن  
 که سمت جنوب نیکی دنیا سپساشد در میان دریای یخ بود بسیار کم  
 اشاق می افتد که درین درجه دنیا اینقدر یخ پیدا بشود

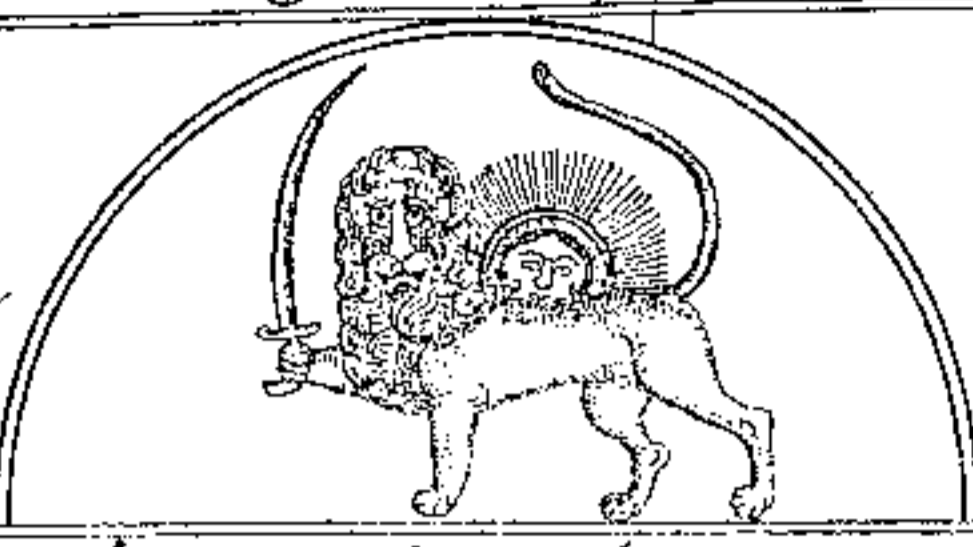
کتابهای چاپی

کتابهای چاپی دار الخلاف طهران که در کارخانه حاجی عبدالمجید  
 باسپی در محله نزدیک دروازه دولاب انطباع شده از انطباع  
 فروخته میشود

- کتاب و سایل با فهرست یک جلد ده تومان
- حشمه نظامی دو تومان و پنجاه
- سرایر دو تومان
- زبدة المعارف دو تومان
- معراج السعاده یک تومان

روزنامه قایم انفاقیه سیاحت یوم شنبه شرح شهر بیچ الاول مطابق سال ۱۲۷۱

نزد دولت  
قیمت روزنامه  
یک نسخه در هر یک  
هفتاد و چهار هزار



منطبعه دار الخلافه طهران  
قیمت اعلانات  
یک خط چهار سطر یک هزار  
شش سطر یک هزار  
بسیار با هر سطر پنج سطر

اجتار و اخلاص مالک محروم پادشاهی

دار الخلافه طهران

در روز نیک شنبه بیست و هشتم این ماه اعلیحضرت پادشاهی  
سجده تفریح و تماشای اطراف دار الخلافه سوار گردیده تا  
یافت آباد تشریف بردند و الی حوالی عصر در آن اطراف  
بتفریح مشغول بودند و نزدیک غروب اجتاب بارک مبارک  
سلطانی مراجعت فرمودند

لفظ بخدمات و حسن صدق عایجه حاجی محمد بیگ پیشکش  
درین اوقات از فرار فرمان مبارک بلقب خانی سرافراز گردید  
درین اوقات چون سببه نیامدن باران غلّه قدری تیسر  
و مردم فی الجمله تشوش داشتند از آنجا که اعلیحضرت پادشاهی  
اوقات رفاه و آسایش عموم رعایا را بطور وارند حسب الامکان  
مقرر گردید که غلّه دیوان که زیاد از حد ضرورت بود مردم بفرود  
و بقدریکه از حروار غلّه که در دار الخلافه آسایا بود و سخلق فروختند  
اطراف قزوین و غیره نیز علی التوالی حسب حکم دیوان  
می آوردند و بسبب حسن تدبیر امنای دولت علیت  
رفع تشویش خلق گردیده درین چند روزه نیز یکدو  
بارانی در دار الخلافه و اطراف آن به باعث امیدوار  
خلق گردیده و امید است که با زخم بارندگی بسند  
و قیمت غلّه تنزل بکند که رعایا و برابا آسوده خاطر باشند

عایجه جعفرقلینجان سرتیپ و فوج مران که احضار بدار  
بجا یون شده بود این اوقات برکاب فیروزی انتصاب  
اعلیحضرت شاهنشاهی آمد در میدان ارک از حضور بجا یون  
گذشتند چون دو فوج مزبور نیامدند و عایجه  
جعفرقلینجان سرتیپ آنها را با کمال نظم و شکوه آورده بود  
نوازش و الطاف سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی گردیده  
نسبت بعا یجه مشارالیه از جانب سنی ایچو این پادشاهی  
مرحمت فوکانه مبذول افتاد و زیاد تحسین فرمودند

درین اوقات نواب میرزا میرزا میرزا میرزا میرزا میرزا  
و مستحق بجا یون اعلیحضرت پادشاهی منصب حلیه ملک الشرائی نواب  
مستطاب امیر نظام سرفراز گردید

افواج قاهره نظام هم روزه در میدان خارج شهر مشغول مشغول  
سایر ولایات

سایر ولایات

۱۳۰۱

اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته بودند بعلت شایسته  
باران جماعت جنابان آنجا قیمت نان را گرانتر کرده بود  
عالیجاه چرامعلی خان نایب الحکومه اصفهان مطلع شده  
جماعت جنابان را حاضر کرده بمیه معقولی نمود قدغن کرده بود  
که ناز از قرار یکم شاه سه عباسی بفرود شد حتی کسایم  
از منرب گذشته خود عالیجاه مشارالیه بیازار رفته بود  
که از کیفیت خرید و فروش نان مطلع شود بعد از آنکه  
بود جنابان فی الحال بطلب می کنند چند نفر آنها را در آنجا  
قبیه کرده بود فردای آن روز قیمت نان ارزان شده بود  
بهرسانه بود که در سر هر کوزه نان فروخته می شد

و یکروز نوشته اند که در قریه از قرار بجان تقی نام دشتیان  
بارضا نام رعیت آنجا تراغشان شده سه چهارچوب  
پهلوی رضا نام زده بعد از دو سه روز از صدمه جان  
که بر پهلوی او زده بود فوت شده است عالیجاه چرامعلی  
بر این فقره اطلاع یافته و ستاده تقی نام را آورده بعد از  
ثبوت قاتل را بدست در شه معقول داده بود و چون که پای  
صغیر در میان بوده است موافق حکم شرع انور قرار  
بافتد و دیده و او بمیه کامل از قاتل بجا آورد است

خراسان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند قافل  
از بهرات مشهد مقدس می آمد و قافل هم از مشهد  
بهرات میرفته است و مابین کوستان بهرات کاه  
جمعی از سواره فرایابی با محمد شیخ بفرم ناخت و نماز آمده بود

۱۳۰۲

خبر بر خسی رسیده رئیس آنها پانصد نفر سوار همراه خود  
بر داشته با باخان هزاره را بهم جناب کرده بود که منظر  
بعبد و چمانی که در اطاعت و انقیاد دولت علیه بانو آب  
مستطاب هزاره و الا تبار فرما فرما کرده ام رجوع بشما  
نذارم برای محافظت قافل از ناخت و نماز محمد شیخ میروم  
قافل که از مشهد میرفته اند در قلعه مشهدی ریره که از توابع  
باخرز است و نواب هزاره آنجا را امسال تعمیر کرده بودند  
توقف نموده و با باخان و محمد رضا خان هزاره در صدد  
نگاهداری آنها بر آمده بودند و لکن قافل که از بهرات مشهد می آمد  
گرفتار محمد شیخ شده اسپر شده بودند خبر بعد الامام العظام  
سید محمد خان ظهیر الدوله رسیده جمعیت با اختصاص آن قافل  
و ستاده بود درین بین محمد شیخ معاودت کرده بود مابین آنها  
و جمعیت بهرات و سواره جامی و خوانی و هزاره که با جمعیت بهرات  
بودند نزاع شده اسپر و کوفندی که سواره محمد شیخ برده بودند تا  
و اگدا کرده و از اختیار نمود و مخلوب مشکوب شده و سواره  
و بهراتی قدری راه جنگ کنان آنها را تعاقب کرده چند نفر از  
ترکانان را زخمی و مقتول نموده و بعد مرعوب کرده اند چون اسرا  
و کوفندی که از ترکانان استروا کرده بودند از اسرا اسلام  
و متعلق بر جمعیت این دولت علیه بودند نواب مستطاب هزاره  
و الا تبار فرما فرما مقرب آنخاقان وزیر نظام بعد الامام العظام  
ظهیر الدوله نوشته بودند که قدغن نماید سواره بهراتی را  
که مستخلص کرده بودند و نماید از قراریکه خبر رسیده پنجاه و یک نفر  
از اسرا را در بهرات تسلیم میرزا محمد علی آدم مقرب آنخاقان  
وزیر نظام کرده اند لکن جمعیت و چند از کوفندی که پس گرفته  
نورسپس داده اند

### اجنار دول خارجه

تقسایم چنانکه در روزنامه سابق نوشته شده چند وقت پیش ازین پادشاه سقانیته فوت شده بود و چون بی اولاد بود برادرش آمده بجای او بسلطنت انجا بر قرار گردید از قتل کنگوی خلق در فرنگستان دور نیست که در این مملکت برهسم خوردگی بشود چند وقت پیش ازین که در کل دول فرنگستان یاغی گری و برهسم خوردگی بود درین ولایت نیز اغتشاش روی داده بود و زور پادشاه سقانیته آن قدر نبود که این اغتشاش را خاموش نماید پادشاه پروسیه قشون با داد او فرستاده ولایت را آرام داد و لکن خلق رضا از پادشاه و برادرش نداشتند پادشاه که در این روز قوت شده است چندان دخل و تصرف بکار ولایت بعد آنکه آرام گرفت مینکره امر دولتی را بوزرا و چند نفر از خوانین و اگذار کرده بود خودش بسیار مایل به تحصیل علوم مخصوصا علم معرفت نباتات که در فرنگستان از جمله علوم عمده است اهل این مملکت دو مذهب از عیسوی اند اکثرشان پراتتند اند و لکن سلسله پادشاهان انجا کتولیک اند این راهم سببی دیگر بجهت مشکل راه رفتن امر آنولایت میدانند چند بار هم در پای تخت اغتشاش شده است و همین شاهزاده که حالا پادشاه شده است در هنگام سلطنت برادرش از سرش از و حام خلق از پای تخت شدار کرده ازین دلایل مشکل میدانند که کار این ولایت بارها پیش برود از سایر دول خارجه چنانکه مناسب

روزنامه باشد بنویسد که آنچه در احوالات متفرقه نوشته میشود

### احوال متفرقه

در کوهستان مملکت اسکاتلند که پادشاه هر سال بجهت شکار کوزن و خوشی آب و هوای انجا بانجا میرود عمارت تازه بجهت علیا حضرت پادشاه انگلیس ساخته و سپار عمارت بازنیت و خوش رنگ شده در مملکت کانادا هینکی دنیای شمالی که هر سال غله زیاد بنجارج میفرستند امسال حاصل چنین منراوان آمده است که شصدهزار حسه و از سال گذشته بیشتر است در بلوکات سمت جنوب غربی دولت جمهوری هینکی دنیای شمالی هم حاصل غله منراوان است و لکن در بلوکات شمالی آن دولت چنان که در روزنامه پیش گفته شد شصت و

شد غله کم آمده و کم یا بست

در مملکت ایرلند در و کران امسال داخل خوب کرده اند روزی سی شاهی تا دو هفته هزاره فرود گرفته اند غیر از خوراک خودشان سابقا زارعین این مملکت بسیار بنجارج میفرستند زیرا که در خود آن مملکت گذرانشان خوب نمیشد امسال سپار کم بنجارج رفته اند و اکثر آنها اشخاصی بودند که اقوامشان رفته بودند خودشان آن قدر بی بضاعت بودند که نمیتوانستند که عقب قوم خود بروند آنها که بنجارج رفته بودند شخواه بجهت اقوام خود فرستاده اند که عقب اقوام خود رفته اند

یکی از دو سازهای مشهور فرانسه میگویند چیزی ساخته است که بجای کنگنه بکار میتوان برد چونکه کنگنه در این سالها بسیار گران کم یاب شده است اگر چنین چیزی باشد خیلی بکار خلق خواهد آمد

۱۳۰۳

از جمله حیوانات غریب که در مملکت استرالیا پیدا میشود  
 قفسی از بلور است که بسیار شایسته به بوقلمون وارد  
 و گوشتش را کول و بسیار خوب و لذیذ است در جنگلهای  
 آن مملکت یافت میشود و مرغی بسیار خالیف و چون  
 و غرابت این مرغ این است که در عوض اینکه مانند سایر  
 مرغها شبانه باز در روی تخم بنشیند تا جوجه بیاید  
 برک و علف و غیره که در جنگل ریخته است در یکجا جمع میکند  
 و اینها بر روی سسم مانده بخار می کند و گرم میشود لاجرم  
 تخم خود را در میان آن میکند و و گاهی آید با و نگاه میکند  
 و تخم در آنجا میماند تا بمان حرارت بخار که از برک درخت  
 و علف منور حاصل شده جوجه بیرون می آید بعد از آن تا  
 سایر مرغها جوجه را همراه خود میبرد و پیر و راند و قلمه  
 ازین مرغها بجهت نماشا بولایت انگلیس آورده اند و در  
 آنجا آنها همان طریق که نوشته شده جوجه در آورده است  
 بعضی اوقات خروش را دیده بودند که میرفت و علف  
 روی تخمها را پس کرده تا شامی کرد و لکن ماده او چندان  
 نزدیک تخمها میرفت امید دارند که این مرغها نیز مانند  
 مرغهای خانگی در ولایت انگلیس عمل آید یا بشود  
 در اخبار هندوستان نوشته اند که کمان داشتند که  
 دو کشتی که مشغول نبرد میان آنها نشسته بودند در دریا  
 غرق شده باشند یکی از آنها کشتی بودند که غلظت از این  
 چین در او سوار شده بودند که مملکت کلینا دریا بروند  
 نزدیک جزیره فارموسه در بحر چین بسیار جزیره  
 کشتی کوچک در آنجا بود با باد آنجا رفت بعد چهل و هفت  
 مفر از آنها را سلامت بیرون آورد و لکن سینه و لود

نقد دیگر آنها خود را بر روی تخمه و تیرهای آن نشستی شکسته که  
 بیرون از آب بود کشیده چون ز آب داشتند ز آفتاب  
 کمان داشتند که خلاص بشوند کشتی دیگر اسم از شهر مدیسه  
 روانه شده بود که به برمه برود غیر از کشتی مان سینه نقد  
 سر باز در او بود که میخواستند با ولایت بروند و از آنها  
 هیچ خبری نیست چونکه در هنگام رفتن کشتی طوفان زیاد  
 شده بود کمان دارند که این کشتی بطوری غرق شده که آری  
 از او باقی نمانده باشد

اعلانات

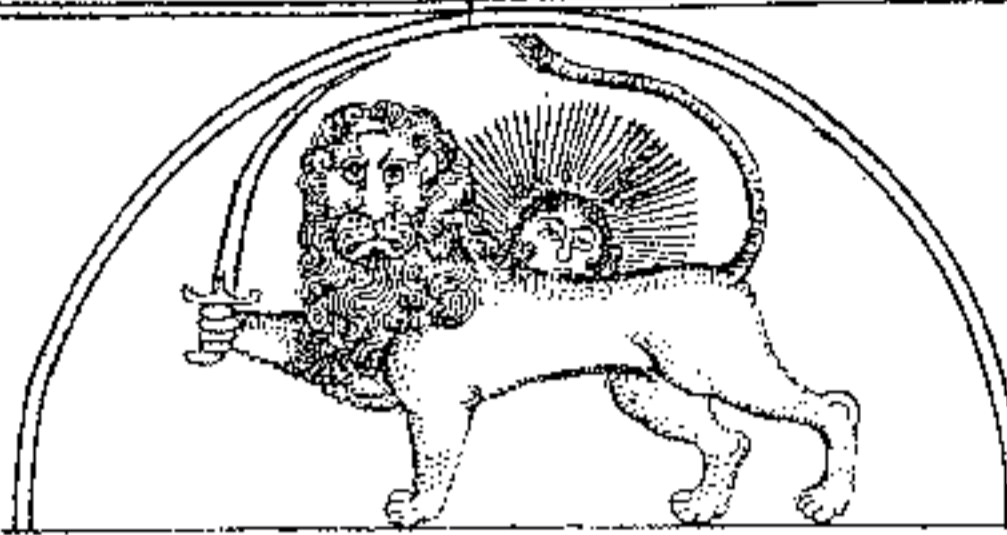
سبب چارلو طاصاحب مدتی رعیت دولت استر  
 که در سال قبل در اختلاف فوت شده در روز و شب  
 ربیع الثانی در کار و انهرای ارمانه در محله عالیجا خواجه  
 قرابا تا جرم باشی بطور هراج در حنته میشود از قبیل ساعت  
 و کما نچه فرنگی و غیره است هر کس طالب باشد در روز و شب  
 سجده عالیجا مشا را لیه برود

کتابهای چاپی دار اختلاف طهران که در کارخانه حاجی عبدالمحمد  
 با سچی و رنگزدی در واره دولاب الطباع شده از این قرار نوشته  
 میشود

- دو تومن یک جلد
- دو تومن و پنجاه
- دو تومن
- دو تومن
- یک تومن

روزنامه قایم اتفاقیه پنجشنبه ۱۰م شهریور ۱۲۷۱

سه دولت چهار  
قیمت روزنامه  
یک نسخه ده شاهی کباب  
هفتاد و چهار هزار



منطقه دارالخلافه طهران  
قیمت اعلانات  
دو شاهی  
یکسکه از چهار سکه کباب  
بسیار بهر سکه

اخبار واحده مالک محروپه و شاهی

دارالخلافه طهران

چون هوای دارالخلافه طهران و اطراف ویرین اوقات بسیار خوب است و نسبت فصل بسیار لطافت و خرمی و لذت و رفاه گذشته است علیحضرت پادشاهی بعضی روزها عزیمت تفریح و تماشای اطراف دارالخلافه فرموده و به سینه کشت و تفریح سوار شدند و بعضی روزها را بمیدان مشرف قاهره نظام تشریف فرما گردیده ملاحظه مشق اخبار فرموده

پروان آمدند و در قلوب مردم بکنوع الطینانی از این بارش حاصل آمد و فی الحقیقه در آن روز از مبارکی قدوم حضرت علیحضرت شاهی دو رحمت بابل ایران نازل شد یکی نزول حرمت سجانی و یکی شمول حرمت شطانی طایفه اعراب و سید ثوبی پیرام مسقط در تالستان بنای خود سری گذاشته بی خبر جمعیت زیاد بدو رسیدند و آورده آنجا را که ملک مختصی این دولت علیست تصرف نمود. این اوقات حسب الامر مقرب الخاقان عبدالغنی

در روز یکشنبه سیم شهریور ۱۰م شهریور ۱۲۷۱ شریف فرمای خانه جناب جلالت آبا شرف امجد اکرم صدم افخم شده بنا بر در آنجا صرف فرموده تا عصر در آنجا صرف و بعد از صرف عصرانه و چای معاودت بهر سلطنت عظمی فرمودند و از حسن اتفاق در آن روز که از جانب سنی احوال با این نوع رحمت خاصی در باره جناب معزی الیه مبذول افتاد با اینکه مدتی بود که در دارالخلافه بارندگی نشد و جمیع خلق مستظرب رحمت الهی بودند از صبح امروز الی غروب چنان بارندگی که مردم از اضطراب و تئویش که بسبب نیامدن باران در

میر پنجه پیر امیر الامرا النظام محمد حسن خان سردار حکمران کرمان با فوج کرمانی ابوالحسن علی خان سر جنگ فوج مجربان فرا کوزلو ابوالحسن علی خان سر جنگ فوج و سواره کرمانی که پنج شش هزار نفر قشون و سوار کرمانی بودند عزیمت بند عباس کرده با تخدود فرستند و از اطراف هم امیرزاده عبدالباقی میرزا پیر نواب موبد الدوله حکمران فارس با مقرب الخاقان عبدالغنی خان صادم الدوله و دو فوج ابوالحسن او و عالیجاه رضاقلیخان با فوج عرب ابوالحسن او و سعید و جمعیت عزیمت قلعه فروره کرده روز دوم شهریور ۱۰م شهریور

۱۳۰۵

وارد آنجا شده اند و چند نفر با جرم و مردمان که قدس  
 سید توبی پیر امام مسقط فرستاده هر چه اورا نصیب دولت  
 کرده اند بصدفایه اتفاق بنام او است و سکر بسیار محکم  
 بقاصد پانصد قدم از قشون دولتی با جهت و سبب خراسان  
 و خاکریز کرده اند و سه غراب بزرگ و ده بچه کوچک  
 در نزد یک قلعه میان آب دریا لنگر انداخته ایستاده بود  
 و دو عراده توپ در سکر گذاشته و بیت و پنج عراده  
 در سرفلحه ماکه رده بودند قشون دولتی هم بعد از مشاهده  
 این حالت هر چه سرباز و تفکیچی و غلام و مهاجر بوده صف  
 کرده هزار قدم از اردو جلورفته بودند که بلکه از اعراب  
 قلعه و سکر با بیرون آمدن مشغول جنگ شوند چند توپ از  
 دریا بقشون دولتی انداخته اند کلوله با آنها نرسیده است  
 بقدر دو ساعت در آنجا ایستاده بودند دیگر از اعراب  
 حرکتی ظاهر نشد بود قشون دولتی هم آرامی گرفته بر  
 بار دوی خود کرده بودند و تا هشتم ماه ربیع الاول قشون  
 فارس و کرمان بملاحظه اینکه تازه وارد شده بودند و حواشی  
 بودند آرامی بکمر بند صبر کرده بودند و در هشتم ماه جمیع قشون دولتی  
 بالاتفاق حاضر شده از یکطرف مقرب انخافان عبدالله خان  
 میرنجه با قشون کرمان و توپخانه و از وسط مقرب انخافان  
 صحارم الدوله با افواج جمعی خودش و از طرف دیگر امیر  
 و رضا قلینجان با فوج و توپخانه جمعی خود صف آرایی کرده بودند  
 بسکری اعراب برده بودند ظایفه اعراب از یکطرف از  
 سکر توپ می انداخته اند و از یکطرف از قلعه تیر می انداخته  
 و از یکطرف ایستادند و با یک نزد یک بقشون دولتی بوده  
 از غراب توپ خالی میکرده اند تا چهار ساعت تا بین قشون

۱۳۰۶

و اعراب جنگ و نزاع اتفاق افتاده با اینکه قشون دولتی  
 سکر و قلعه ند داشته اند یک دفعه علی الاتفاق بانفک و شمشیر  
 نزدیک سکر اعراب رفته آنها را از سکر با بیرون کرده  
 و دو عراده توپ و یک چهاره که در سکر داشته اند  
 و سربازش از دست اعراب گرفته اند بعضی از اعراب فرست  
 اینکه بقلعه بروند مگر خود را بدر با انداخته و برخی فرار کرده  
 قلعه رفته اند و بعضی سیر و مغول شده اند و از طرفین جمع کشی  
 بقبل رسید تا اینکه قشون دولتی قلعه مزبوره را تصرف کرده  
 مفتوح داشتند و سید توبی پیر امام مسقط بعد از مشاهده  
 این احوال تا ب مقاومت نیاورده با سپر خودش و دو  
 کتیر کرجی که همسراه داشته از دروازه طرف دریا بکشتی  
 نشسته فرار کرده است و لکن سید نصر از اعراب بدو  
 قلعه و لند نرفته از آنجا بطرف قشون دولتی کلوله انداخته  
 می کرده اند تا اینکه قشون دولتی یک شبانه روز جنگ کرده  
 یورش بان دو برج برده و داخل میان اعراب شده مشغول  
 و محاربه شده اند و اعراب را مغلوب و منکوب و آنها را  
 مغلول و دستگیر کرده اند و از قرار تقریر چا پاران شیخ عبدالرحمن  
 قشی و شیخ سعید شیره زاده شیخ سیف که نشانی این  
 وفاد و محرک پیر امام مسقط بوده اند در آن دو برج و لند  
 بوده بقبل رسیده اند و لکن تا هنوز خبر صریحی در خصوص قتل  
 این دو نفر رسیده است تا از روی تحقیق نوشته شود  
 و چون چا پاردیوانی از طرف فارس و کرمان مرده فتح و  
 تصرف قلعه بندر عباس را در کمال تعجیل خدمت اولیای  
 دولت علیه آورده بجا ایچاه اسمعیل خان چا پارسچی باشی کلان  
 سال کشمیری از جانب سنی اجواب علی حضرت شایسته



خلعت رحمت شده در باره بر یک از چاهاران کرمان  
و فارس بکفایت شال کرتانی خلعت یافتند

عالیجاه مقرب انخافان میرزا مصطفی قلی مسنونی که محاسبات  
خراسان را پرداخته عزیمت دارالخلافه نموده بر کاب مبارک  
می آمد این روزها وارد شده شرف اندوز حضورهایون  
مورد مرحامه لوکانه گردید

چون مقرب انخافان میرزا حسنخان نایب الحکومه عراق  
در نظم امور عراق کمال اهتمام نموده محاسن انعامات او  
بعضی خاکبای مبارک سرکار عالیحضرت شاهنشاهی  
بارنامه هم انقاد حضورهایون داشته بود بکثرت جنبه  
ترجمه بر رسم خلعت از جانب سنی انجوانب هایون بافتند  
عالیجاه مشارالیه رحمت و ارسال شد

نظر بخدمات عالیجاه محمودخان کلانتر درین اوقات  
خدمات استحسن و مقبول خاطر اقدس هایون عالیحضرت  
شاهنشاهی و امنای دولت علیه افتاده از جانب سنی انجوانب  
لوکانه بکثرت جنبه کرمانی بسیار خوب با علی بعالیجاه مشارالیه  
بر رسم خلعت رحمت گردید

چون عالیجاه نصرالله خان مباشر خالصجات کیدان  
وجوه قسط دیوانی را خوب رسانیده از عنده خدمت  
محول بقرارتشایسته برآمده بود لهذا بکفایت شال ترمه  
و بکثرت جنای رزی از جانب سنی انجوانب عالیحضرت  
شاهنشاهی بر رسم خلعت بافتند را و رحمت و ارسال شد

چون دو فوج هفتم و ششم افشار جمعی عالیجاه مقرب انخافان  
عسکرخان سرب و دو سال در سفر خراسان لازم شد

و جان تبار بر اهل آورده خدمات آنها مستحسن و مقبول  
لوکانه گردیده لهذا در ازای خدمات آنها از اینتر خلعت

عالیجاه مقرب انخافان عسکرخان / عالیجاه امامقلینان سربازان  
سربازان / فوج هفتم

شمشیر غلاف / کل کمر صغیر / نشان اول حمایل سفید شال  
و قلاب طلا / قطعه / قطعه / رشته / طاقه

در وجه چهار نفر یا در / در وجه سایرین

عالیجاه فتح البیضاء عالیجاه قورق / مستنیر سلطان سربازان که در  
نشان شال / نشان شال / و یک نفر اجودان / کرده اند نشان  
قطعه طاقه / قطعه طاقه / نشان طلا / نشان طلا  
عالیجاه حسن بیگ / عالیجاه تقی بیگ / در وجه سایرین  
نشان شال / نشان شال / قطعه طاقه / قطعه طاقه

و نشان در حق آنها رحمت گردیده مرخص خانه شدند و عالیجاه  
عسکرخان بجهت انجام بعضی امورات خود چندی در رکاب  
هایون توقف نموده بود این روزها روانه آزادباشان گردید

### سایر ولایات

کرمان از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند  
از جانب سنی انجوانب لوکانه بجهت امیر الامراء العظام محمد حسن خان  
سردار حکمران یزد و کرمان مصحوب عالیجاه حبیب الدخان  
قاجار انقاد شده بود در سیم ماه ربیع الاول بر تو وصول  
انگیزه امیر الامراء العظام مشارالیه در باغ خارج شهر  
خلعت هایون را زیب برود و دو شش مهابات خود ساخته  
و صرف شربت و شیرینی نموده و بقاعده مستمره اجرا  
شلیک توپ نموده لوازم توفیر و احترام خلعت هایون را  
بعمل آورده اند

۱۳۰۷

### فارس

از قرار یک در روزنامه فارس نوشته اند در روز ششم  
صفر که عید مولود مسعود اعلیحضرت پادشاهی بود نواب  
ستطاب شاهزاده والا تبار مؤید الدوله طرابلس میرزا  
حکمران مملکت فارس در میدان در ب خانه بساط کباب  
گسترده جمیع اعظام و اشراف و خوانین عظام و صاحب  
نظام و غیره در کمال شکوه و آراستگی حضور بهم رسانده  
اجرای شلیک توب نموده و لوازم جشن و سرور و  
شادمانی بعمل آورده اند

دیگر نوشته بودند که بحسب حکم نواب مؤید الدوله ایالت  
کوکینلو به نواب میرزاده لطفعلی خان موقوف و مرجوع گردیده  
و نواب معزی الیه با فوج ایلات قشقایی نقل مکان بخارج شهر  
نمودند که رفته در مقام تمسیت و ایصال مال دیوان انصاف برآید

تبعیر اجناس شیراز در این اوقات نوشته اند که کم خروار  
چهار تومان و نیم و جوسه تومان و سایر اجناس نیز بهین نسبت تبعیر و  
دیگر نوشته اند که نواب شاهزاده مؤید الدوله باقتضای  
امور ولایت عالیجاه نصرالدخان لاری را که باعث اختلال  
امرالصفیات بود حکم کرده اند گرفته در توپخانه بقراول  
انداخته اند و سالی بمقصد و پنجاه تومان بجهت معیشت او  
معین نموده و محل داده اند که گرفته صرف کردن عیال

خود نماید  
دیگر نوشته اند که شخصی کرانی مرکب قتل یک نفر از  
بادیه شده بود که مقتول آمده مراتب را بعضی نواب  
مؤید الدوله رسانده نواب معزی الیه محض لعین فرموده اند

قاتل را گرفته بحضور آوردند بعد از تحقیق و رسیدگی که  
محقق گردید او را حکم کردند بدست ورشتمقتول دهند که  
قصاص نماید پیره زالی که مادر مقتول و وارث شرعی او بود  
زنجیر قاتل را گرفته میدان برده خوابانده بود و سنگی برداشته  
القدر بسرو معز او کوبیده برد تا او را جلاک کرده و قصاص  
خون پسر خود را نموده بود

دیگر نوشته اند که محمدقلیخان کله زن که از اهل ایل و احشام  
دسالها بود که بسرقت و شرارت اشتغال داشت  
و پیوسته دست اندازی بقوافل و مترو دین می نمود بر حسب  
حکم نواب شاهزاده مؤید الدوله مقرر گردید که مقرب الخاقانی  
محمدقلیخان اینجانی او را دستگیر کرده بحضور نواب معزی  
بیاورد مشارالیه او را گرفته بحضور نواب شاهزاده آورد  
چون زیاده مصدر قتل و سرقت و شرارت شده بود

نواب معزی الیه برای عمل خود رسید  
حسب حکم نواب شاهزاده مؤید الدوله عالیجاه محمد کریم خان باور  
با چهار صد نفر سربازان فوج فریدن مامور و روانه بساخلو  
شهر ابوشهر گردیدند

### اخبار وول خارجه

انگلیس علیاحضرت پادشاه انگلیس در عمارت تهر  
که نزدیک شهر لندن است تشریف داشتند تا  
کانه آخر که ازین ولایت رسید روز پنجشنبه و جمعه بود

جناب جلالتاب لارڈ پارتین وزیر امور ات خله  
بنا داشت بشهر پاریس برود که بخدمت اعلیحضرت  
امپراطور فرانسه برسد

**عظامت**  
 تاریخ روزنامه آخر که از اسلامبول رسید رویش  
 ربيع الاول بود و در آن تاریخ در روزنامه که بزبان  
 فرانسه چاپ میزند نوشته اند که بحسب دستخطهای  
 اعلیحضرت سلطان محمد رشید پاشا وزیر دول خارجه  
 جلیل صدرت عظمی سرفراز گردید و منجر پاشا که سابقا  
 وزیر اعظم بود معزول شد و در جای دستخط عالی پاشا  
 میر مجلس مشورتخانه تطبات بجای جناب رشید پاشا که  
 صدر اعظم شده است وزیر دول خارجه گردید  
 دستخطهایون دویم ربيع الاول بود و در همان روز  
 جناب رشید پاشا و جناب عالی پاشا بیاب عالی فیه  
 هر یک بجای مخصوص منصب خود قرار گرفتند و کل  
 انمای دولت بمبارکبادی منصب وزارت

ایضا در همین روزنامه نوشته اند که درینت دویم  
 صفر چنان طوفان شدیدی در فراد نیکو و مالک آن اطراف  
 شده بود که هیچکس تا بحال چنین طوفانی بنحاط ندانست  
 حتی مردمان بسیار پیر و معمر طوفان باین شدت و امواج  
 باین بلندی یاد ندارند بسیاری از کشتیها شکسته و غرق  
 شده اند و ضرر زیاد به تجارت خورده است

اجناس در اسلامبول موافق روزنامهها که نوشته اند  
 و موافق نوشتهجات تجارت قدری ترقی داشت گندم هر گیل که  
 چهل حقه میباشد سابقا بیست و هشت قروش و چهل قروش  
 فروخته میشد حال کتر از چهل و دو قروش فروخته میشود  
 انهم گندم وسط و سببش این بود که بجهت باد مخالف کشتیها  
 که غله بار کرده بودند با اسلامبول نمی آمدند و قیمت آنها خنجر

با بنظر نوشته اند گندم قمرسفت روم ایلی یکله چهل و  
 قروش و پنج تا پنجاه و سه قروش گندم سفید نرم روم  
 از چهل و پنج قروش تا پنجاه قروش گندم وسط چهل  
 و دو قروش رزت بیت و هشت قروش و بیست  
 قروش جو بیت و هشت قروش تاسی قروش  
 در جزیره رودس هم غله ترقی داشت چونکه این جزیره  
 جای خرید و فروش غلات مردمی که شغشان داد و  
 غلات در اینجا جمع میشوند حاصل آن سست فراوان  
 بود چند نفر از دولتمندان آنجا که صاحب تخواه بودند غله  
 و بنای انبار داری گذاشته بودند که اگر غله در دست  
 خودشان باو کران بفرستند

وزیر مختار دولت اسپانیول بقیم اسلامبول در تاریخ  
 ۲۷ صفر از اعلیحضرت سلطان اذن مرخصی حاصل کرد  
 بود که تا مدتی بوطن خود مراجعت نماید و بعد از چندی که در  
 وطن خود اقامت کرد باز آمد بجای خود برقرار شد

**فرانس**

کفکونی باین دولت و دولت جمهوری سکی و پتیا  
 شمالی شده است در خصوص موسیو سوله که سابقا وزیر  
 مختار بود در دولت اسپانیول مشارالیه اصلش فرانس  
 و چند سال پیش ازین بجهت اینکه در افتشش فرانس  
 دخل و تصرف کرده بود و اخراج بلده شده و از آنجا به سکی  
 و نیای شمالی رفت و نوکران دولت شد بمنصب وزیر  
 مختاری نامور پای تخت اسپانیول گردید و لکن حکم فرانس  
 او از خلقت فرانس باز برقرار است و درین چند سال که  
 بدولت اسپانیول بماموریت امپری گری میرفت از خاک

۱۳۰۹

فرانسه عبور کرد و لکن در آنجا توقف نکرد حال که چنانچه  
 در روزنامه سابق نوشته شده است دوستی ما بین  
 دولتین اسپانیول و جمهوری یونکی دنیای شمالی ابراهیم  
 زده است و خودش از خاک اسپانیول بیرون  
 آمده است میخواست در مملکت فرانسه کشت و توقف کند  
 و بر امورات داخله فرانسه حاکم گردد و از آنجا موسیوی  
 بولایت انگلیس فرستاد در خصوص مشارالیه در روزنامه  
 دولتی فرانسه که ما نیز مینامند نوشته اند که سابقاً  
 که موسیوی سوله ازین مملکت عبور میکرد با کمال عزت و حرمت  
 از آنجا عبور میکرد حالاً که بنای توقف است باز با کمال  
 عزت و حرمت او را خیر کرده اند که توقف او در فرانسه  
 ممکن نخواهد بود و امنای دولت جمهوری یونکی دنیای شمالی  
 بناید از این معنی کلامند و دلخور باشند زیرا که قاعده  
 این است که هر دولتی اختیار تنظیم امور خود را باید  
 داشته باشد خصوصاً در باب اهل دول خارجه که  
 اگر نخواهند که یکی از اهل دول خارجه در دولت خودشان  
 بماند میتوانند آن شخص را از آنجا بیرون کنند بدون  
 اینکه سبب آنرا برانمایند تا بیخ کافه آخر که از پاریس  
 آمده است یوم شنبه دوازدهم ماه صفر الحظیر بود  
 اردوهای مشتاقان مملکت فرانسه که مدتی در بلون  
 جایهای دیگر جمع شده بودند درین روزنامه مخصوص  
 متفرق شده اند  
 بنده و کستان  
 موافق روزنامه های این ولایت در کل آن صفحات است

و آرامی بود که در مملکت بریه که هنوز دست نظم گرفته است  
 در چین نزدیک بکاشان کار باغبان در پیش بود و چنانچه  
 که همیشه با نجاری آمد و داد و ستد جای بجهت اکثر روی  
 از آنجا می شد کم باب شده است مدت یکسال می شود  
 که قشون باغبان نزدیک پای تخت هستند و لکن زورشان  
 نمیرسد که رفته پای تخت را بگیرند و زور پادشاه نیز  
 انقدر نیست که آنها را قطع و قمع نماید و متفرق بکند قشون  
 از اهل تاتارستان که نسبت با اهل چین بسیار شد  
 جنگی و شجاع هستند با نجاری آمد و داد و ستد بسیار  
 می کنند و نگارباشتن پای تخت از رشادت آنها  
 شده است در اکثر سایر ممالک چین کار باغبان بسیار  
 و لکن در هر جایی که قرار گرفته اند نظم تمام در اولایات  
 نگارباشتنند و بچکس از آنها بعد از اطمینان از جنگی  
 ندیده و کلمه ندارد  
 چند سال پیش ازین یکی از اهل انگلیس یکی از خوارین  
 رفته بود و در آنجا جمعیت بدو خود جمع کرده و در اولایات  
 تسلط یافته بود و اسم این شخص سر جان بروک بود و  
 مدتی در اولایات حکمرانی میکرد و در دریا های آن سیت  
 نظم تمام گذاشته بود و چونکه آنجا جائیت که دائم الا  
 وزده رفته کشتی تجار را ناحت کرده و اهل کشتی را می  
 حاکم نموده و پیوسته با این دزدان جنگ می کرد و چون  
 دزدان را تنبیه سخت مینمود که آنجا که سابقاً بنای  
 اقتصاد داشت در آن اوقات کمال امنیت بهم  
 بود و لکن در جنگ با دزدان نر بود خویزری و خایو  
 کشتی سوختن زیاد می شد درین بین بعضی از اهل انگلیس حاکم

۱۳۱۰

مربور نسبت بپیرجی دادند و بر حسب عرض خلق دولت بپیرجی  
 اورا از آنجا برداشتند که در بعضی مواد تحقیق شود از فر  
 روزنامه هندوستان اجد از برداشتن حاکم مزبور از  
 جزیره دزدان باز سر برداشته اند و اذیت زیاد نسبت  
 مبرودین آن در پامی کنند و اهل مالک آن از افسانه  
 افسوس از برداشتن حاکم مزبور از آنجا میجوید

**سایر مالک خارج**

مشورخانه خوانین و وکلای رعایای دولت بلژر آنجا  
 صفر خبر کرده بودند که در بر و سلا پای تحت آنجا جمع بود  
 بجهت انجام امور دولتی مشورخانه مملکت دینارک جمع  
 شده بودند و احکام به بلوکات آن مملکت رفته بود که  
 از خلق وکیل معین کرده پبای تحت آن ولایت نفرستند  
 مشورخانه مملکت اسپانول بتاریخ شانزدهم صفر  
 کتوده شده بود و خود پادشاه با آنجا آمده و بعضی  
 لازم که ضروری بود با اهل مشورخانه و خوانین فرموده بود  
 پادشاه پور تو قال که مدتی در مالک فرنگستان کشت  
 سیاحت میکرد بتاریخ جمعه دوازدهم ماه ذیحجه بر  
 بلژون پای تحت مملکت خود کرده بود و اهل آنجا از  
 خوانین و رعایا عموماً با کمال شرف و شادمانی اورا  
 کرده بودند

مثل پیک صاحب منصب هندس فرانس که مدتی در  
 مصر مانده بود و میخواست بندی در رود نیل ببارد  
 درین روزها باز بولایت مصر آمده است ابتدای سابقین  
 بند رود نیل در ایام عباس پاد بود بعد از آن بجهت زیاد  
 اخراجش موقوف شده بود حال صاحب منصب مزبور

امید دارد که سجد پاشا و اهل آن مملکت بند مزبور تمام  
 بکنند تا بحال شش کرده و نیم حساب پول ایران در سیر  
 بند خرج کرده اند و تا تمام نبود باید همین قدر هم خرج  
 و لکن چونکه زمین مصر بجهت بی آبی لم یزرع مانده است اگر  
 این بند بسته شود حساب کرده اند که حاصل بصیرت  
 مقابل بلکه سی مقابل زیاد تر خواهد شد و امید دارند  
 که درین ایام بند مزبور تمام نمایند

**احوال متفرقه**

گرستینه والده پادشاه اسپانول درین روزها  
 با بعضی از عیال خود بیارلس پای تحت فرانس آمده  
 موافق روزنامه یکنی دنیای شمالی حاصل پنجاه سال گذ  
 سه کرده و چهار صد و سی هزار لنگه بوده است و از  
 سالهای گذشته کمتر آمده است بلکه سیصد هزار لنگه  
 از سال گذشته کمتر آمده است  
 از آن ماههای بزرگ که سال بسال اهل بعضی مالک خارج  
 بجز منجه بشکار او میروند امسال در سمت کناره مملکت انگلیس  
 و بعضی از آنجا بدست اهل سواحل آنجا افتاده اند و حاصل  
 از غن آنجا دریافت کرده اند

چنانکه در روزنامه سابق نوشته اند بنیاد دارند سیم خرج آنسی  
 در زیر بجهت از فرنگستان تا مغرب زمین بگذرانند تا بحال  
 دو سیم تمام کرده و گذاشته اند در روزنامه مملکت ایتالیا  
 نوشته اند که سیم دیگر که سیم سیم باشد اخیراً  
 ساردانی مغرب زمین گذاشته و تمام کرده اند

۱۳۱۱

مهمه راجه دهب سینگ که پسر رنج سینگ حکمران سابق  
 پنجاب بود بعد از آنکه آنولایت بریتانیا را قیاد او را برده  
 در ولایت هند ساکن کردند و نسبت در ولایت  
 انگلیس است و در روزنامه آنولایت نوشته اند که در  
 کوهستان مملکت اسکاتلند گشت میساحت میگرد  
 سیم حیرت آتشی که در هندوستان می کشند بنا دارند  
 از هندوستان تا زنگون مملکت برمه هم بسند از  
 ولایت پکو میگذرد تا زنگون میرسد در سمت دیگریم  
 از رودخانه برانس رسیده است و در سمت شمال غرب  
 هندوستان این سیم را حاضر کرده اند که از رود سطلج تا ولایت  
 پنجاب بکشد بطوریکه وقتی که این سیمها کشیده شد  
 از کل ممالک هندوستان در چند دقیقه بگلگت پای تحت  
 و سایر شهرهای بزرگ خبر میرسد

در بنکار هندوستان سال بسال تریاک زیاد بعمل می آورند  
 و داخل عمده اهل مملکت همین تریاکست در روزنامه بنکار  
 حساب کرده اند که حاصل تریاک اصمال چهل و هشت  
 هزار صند و هفت

قاعده است در مملکت انگلیس در فصل در و فصل بسیار  
 از اهل ایرلند بان مملکت می آیند که حاصل بر او و نمایند  
 اصمال بجهت کثرت شغل کمتر رفته اند و فرو زیاد هم  
 گرفته اند در بعضی جای روزی پنجاه اجرت در روز میگیرند  
 در روزنامه اسپانیول نوشته اند که در وبای سان گذشته  
 از شهر بارسلونه ششزار نفر تلف شده اند و چون که  
 قیمت آن بهشت هجده صد و بیست هزار است از آن شهر

از هر پست نفر یک نفر تلف شده اند و این نسبت بسیار  
 شهرهای فرنگستان خیلست که و با این قدر آدم در آنجا  
 تلف کرده باشد در شهر لندن اکثر اوقات که و با در آنجا  
 افتاده است از هر سیصد نفر یک نفر بر آورده کرده اند  
 که تلف شده است

در فرنگستان روز بروز اسباب زیاد از چودن و  
 امین میسازند چونکه بسیار کم قیمت است و حمل و نقل آن  
 سینه باسانی میشود از جمله درین روزها تا شاهانه بجهت  
 مملکت استرالیادرو ولایت انگلیس از چودن ساخته  
 خانه مزبور دوازده زرع و نیم ارتفاع دارد و ده زرع طول  
 و شش زرع و نیم عرض و بتدریک زرع و نیم در میان  
 خاک می نشیند قهوه خانه و راهس و پله همه چیز تمام دارد  
 و همسر را پارچه پارچه کرده میان کسی گذاشته تر و زان  
 کرده اند

اعلانات

کتابهای چاپی دارالمخلاف طهران که در کارخانه حاجی  
 عبدالعزیز باسچی در محله نزدیکی دروازه دولاب انطباع شده  
 از این شهر فروخته میشود

- وسایل باهرست یک جلد ده تومان
- نسخه نظامی دو تومان و پنجاه
- سرایر دو تومان
- زبدۃ العارف دو تومان
- مصداق العاده یک تومان